

شناخت دوستان و دشمنان خارجی انقلاب، ضرورت مبرم انقلابی است

برای ورود در این بحث که: چرا شناخت دوستان و دشمنان خارجی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یک وظیفه ضروری و مبرم انقلابی است، به نظر میرسد که باید ابتدا بر این واقعیت مسلم انگشت تاکید گذارد که، کشور ما در این کره زمین قرار گرفته است و ما، چه بخواهیم و چه نخواهیم، نیاز به برقراری مناسبات با دیگر کشورها داریم، چه برای رفع نیازمندیهای کنونی، چه برای تحکیم استقلال سیاسی و حرکت بسوی نوسازی مستقل کشور و بسود زحمتکشان (کارگران، دهقانان زحمتکش، پیشه‌وران، کسبه، روشنفکران زحمتکش)

در تمام عرصه‌های اقتصادی، فنی، علمی، فرهنگی، نظامی و غیره. از سوی دیگر باید به این واقعیت توجه جدی داشت که، نیروها و کشورها در سطح بین‌المللی ناظر بر طرف انقلاب و روند انقلاب ما نیستند. آنها یا مخالف و یا طرفدار تثبیت، تحکیم و تعمیق انقلاب ما هستند. و این مخالفت و یا طرفداری خود را سعی دارند تحقق عملی بخشند. این واقعیات از سوی نیروهای داخلی مخالف انقلاب (ضدانقلاب) بقیه در صفحه ۲

فردا بعد از اخبار شب در شبکه اول:

بحث آزاد تلویزیون

درباره «آزادی، هرج و مرج، زورمداری»
باشورکت حزب توده ایران
پخش می‌شود

در این بحث رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران شرکت دارد. سایر شرکت کنندگان در این بحث عبارتند از: آقای بهشتی (از حزب جمهوری اسلامی)، آقای پیمان (از جنبش مسلمانان مبارز) و آقای فتاوی (از سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»).

تذکره: طبق اطلاع قبلی تلویزیون قرار بود که این بحث در روزهای دوشنبه ۴ و سه‌شنبه ۵ خرداد ۱۳۶۰ پخش شود. ولی روز پنجشنبه تلویزیون اعلام کرد که به علت تراکم برنامه، پخش اول این بحث ساعت ۵ بعد از ظهر روز جمعه اول خرداد پخش می‌شود. و روز جمعه پخش اول این بحث در محیط سالم و باموقیبت برگزار شده.

بحث آزاد تلویزیون با اقبال توده‌های مردم و خشم مدعیان هواداری از «بحث آزاد» مواجه شده است

فصل و پخش «بحث آزاد» درباره مباحث آیدئولوژیک و سیاسی، باشورکت نمایندگان احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی، از سیمای جمهوری اسلامی ایران ادامه دارد. این امر، یعنی برخورد آزاداندیشه‌ها در محیطی سالم، که طی دو سال و اندی پس از انقلاب، واقعاً تازه و مثبت‌شمار می‌رود، واکنش-

مردم می‌طلبند:

ابهامات درباره «سرقه اسناد» وزارت امور خارجه را بر طرف سازید!

روز یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۰، فردی بنام مرتضی فضلی‌نژاد، همراه با فرد دیگری، بهنگام خارج کردن تعداد زیادی اسناد سری و محرمانه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در ساختمان شماره ۳ این وزارتخانه دستگیر و به مقامات مسئول تحویل داده شد. متعاقب این امر، اسماعیل ناطقی، مدیر کل امور کنسولی وزارت امور خارجه نیز بدلیل «تسلیم غیرقانونی اسناد محرمانه به عناصر غیرمسئول» بازداشت گردید. روز سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت ماه دفتر ریاست جمهوری اطلاعیه‌ای، اعلام داشت که فرد دستگیر شده نماینده این دفتر بوده است که یا معرفی کتبی و اجازه مقامات مسئول مملکت، مأمور رسیدگی و مطالعه پرونده‌های در وزارت خارجه و سایر وزارتخانه‌ها بوده است. (اطلاعات، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۰) اما این ادعا سپس توسط مقامات

وزارت امور خارجه تکذیب گردید. در اطلاعیه رسمی وزارت امور خارجه خطاب به رئیس‌جمهور تصریح شده است که: «آقای مرتضی فضلی‌نژاد در وزارت خارجه هیچگونه مدرک و نشانه‌ای دال بر وابستگی خود به دفتر ریاست جمهوری ارائه نکرد و اصولاً در رابطه با وابستگی خود به هر نهاد دولتی یا غیر دولتی دیگر سکوت نمود.»

بقیه در صفحه ۷

اوضاع منطقه بر اثر تلاشهای واشنگتن برای اعمال فشار ناهنجار بر ایران و تدارک مداخله مسلحانه در افغانستان

وخیم شده است

برژنف درباره اوضاع منطقه گفت: «ما خواهان گفتگوهای مجدانه برای بهبود و سالم سازی مناسبات بین‌المللی هستیم. این مدعا درباره اوضاع خلیج فارس و منطقه پیرامون افغانستان نیز کاملاً صادق است. اوضاع این منطقه بر اثر تلاش‌های واشنگتن برای اعمال فشار ناهنجار بر ایران و

لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در جشن شصت سالگی جمهوری و حزب کمونیست گرجستان در روز جمعه ۱ خرداد ۶۰، سخنرانی مهمی ایراد کرد، که بخش کوتاهی از آن در شماره دیروز گزارش دادیم.

برژنف:

گسترش دامنه
تجاوز اسرائیل
در لبنان با پشتیبانی
آمریکا، صلح
و امنیت این منطقه
رابا خطری جدی
روبرو کرده است
صفحه ۴

اخراج
کارکنان نیروگاه
برق رامین اهواز
به زیان انقلاب
است!

حکم اخراج را لغو و به
حقوق معوقه کارکنان
رسیدگی کنید!

کارکنان تکنیکو پسون
اکسپورت، ملی‌ساختان و جنرال
مکانیک نیروگاه برق رامین
اهواز، طی حکمی اخراج شده‌اند.
این حکم در شرایطی صادر
میشود که این کارکنان از آغاز
چنگ تا بحال حقوق دریافت
نکرده‌اند.

کار نیروگاه برق رامین اهواز
با ظرفیت نهایی ۱۲۶۰ مگاوات،
که ۳۱۵ مگاوات آن مورد بهره-
برداری قرار گرفته بود، با آغاز
چنگ تحمیلی متوقف گردید.
کارکنان زحمتکش این نیروگاه
در بی توقف کار آن، فعالیت
وسعی را برای کمک به جبهه
و پشت جبهه و نیز تلاش برای
براه انداختن پروژه آغاز کردند،
اما متأسفانه حکم اخراج کارکنان
بقیه در صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

تازه‌های روز

ضد انقلاب به نابود کردن مواد مورد نیاز مردم ادامه می‌دهد

جمعه گذشته (اول خرداد) ۵۰۰ هزار آمپول سالم، که در بیابانهای اطراف تهران ریخته شده بود، کشف شد. این آمپول‌ها، به گزارش روزنامه «صبح آزادگان» (شنبه ۲ خرداد ۱۳۶۰) در بیابانهای باقرآباد بدست آمده و شامل آمپول‌های آتافلین (قلبی) و ناداوین (ویتامین ب یک) بوده است. این آمپول‌ها، که کاملاً سالم بوده، در بازار کیمیا و بخصوص نوع قلبی آن بسیار مورد نیاز است. در همین حال در خرابه‌های اطراف خیابان نفت در شمال تهران، ۲۵۰ کیلوگرم گوشت یخزده سالم و تعداد زیادی کمپوت بدست آمد.

این اخبار در حالی منتشر میشود که هنوز چند روز بیشتر از کشف لاشه هزاران مرغ و جوجه سالم در بیابانهای اطراف تهران نمی‌گذرد. خیرها نشان‌دهنده این امر است که ضدانقلاب با تمام نیرو در تلاش است، تا از جمله با از بین بردن مواد غذایی و دارو، کمپوت مصنوعی ایجاد کند و سپس خود، با نوشتن آن برای دولت، علیه انقلاب به تبلیغ بپردازد.

هزینه عظیم آمریکا برای دفاع از «حقوق بشر!»

اسنای آمریکا روز پنجشنبه با ۵۰ رای موافق در مقابل ۴۸ رای مخالف، رای به صرف ۴۰۰ میلیون دلار برای تجهیز یک کارخانه سازنده گاز ضد انصباب داد. (صبح آزادگان - ۲ خرداد ۱۳۶۰)

بنا بر همین گزارش، حتی خبرگزاری آمریکایی یونایتدپرس مجبور به اعتراف شده است که این گاز فاجعه‌ای برای کره زمین ببار خواهد آورد. موافقت سنای آمریکا - یعنی نمایندگان منصوب انحصارات بزرگ سرمایه‌داری - با طرح فوق نشان میدهد که آمریکا همچنان در سطح بسیار گسترده‌ای به مبارزه برای احقاق «حقوق بشر» ادامه می‌دهد! البته دامنه این «مبارزه» این بار آنقدر گسترده است که کره زمین را با فاجعه روبرو خواهد کرد.

باز هم از «مبارزه» افغانی‌های «انقلابی» در ایران

آقای صادقی قهاره، نماینده جدید دادستان کل انقلاب در دادرسی مبارزه با مواد مخدر، در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و از جمله گفت:

«متأسفانه بعزت عدم کنترل کافی در مرزهای کشور، مخصوصاً در منطقه مرزی ایران و افغانستان و رفت و آمدهای بی‌ضابطه افراد افغانی به داخل خاک ایران، فرصت مناسبی برای فعالیت قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر فراهم شده است. این افراد از این بی‌نظمی سوء استفاده کرده و مقادیر زیادی مواد مخدر به داخل خاک ایران وارد می‌نمایند.» (کیهان - ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۰)

این اولین بار نیست که مقامات مسئول کشور پرده از فعالیت ضدانقلابیون افغانی در ایران می‌دارند. ولی با اینکه ظاهراً روشن است که ضدانقلابیون افغانی در چه توطئه بزرگی علیه انقلاب شرکت دارند، هنوز متأسفانه در مورد آنها تدابیر جدی اتخاذ نشده است.

سرمایه‌داران غارتگر هم چنان قیمت‌ها را بالا می‌برند

سرمایه‌داران غارتگر ظرف یک روز، با افزایش ۲۵ درصد بر قیمت «چراغ علاءالدین»، مشکل جدیدی برای زحمتکشان - که این چراغ، وسیله پخت و پز و ایجاد گرما برای آنان است - ایجاد کرده‌اند. دادستان انقلاب اسلامی تهران ویژه امور صنایع، با صدور اطلاعیه‌ای در این مورد اعلام کرده است:

«افزایش ۴۵ درصد بهای علاءالدین بدون اجازه مقامات ذیصلاح، غیرقانونی بوده و لازم است که برگشت قیمت آن از طریق رسانه‌های گروهی اعلام

شود.» (کیهان - ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۰)

هر چند که هنوز سرمایه‌داران غارتگر بازگشت قیمت علاءالدین را اعلام نکرده‌اند، ولی تازه با این اعلام هم مسئله حل نخواهد شد. تا وقتی که سرمایه‌داران بزرگ اهرم‌های بازار را در اختیار دارند، بطور تصاعدی قیمت‌ها را بالا خواهند برد و به بهای غارت آخرین دینارهای زحمتکشان، فریب و فریبه‌تر خواهند شد. باید این اهرم را، با ملی کردن بازرگانی خارجی، از سرمایه‌داران بزرگ گرفت.

شناخت دوستان و دشمنان...

بقیه از صفحه ۱

و «جاده صاف کن‌های» آن شناخته شده است، ولی متأسفانه باید گفت که همین واقعیات از سوی همه نیروهای داخلی طرفدار انقلاب، هنوز آنچنان که باید، شناخته نشده‌اند.

منظره کلی شناخت دوستان و دشمنان خارجی انقلاب

منظره کلی شناخت دوستان و دشمنان خارجی انقلاب، از سوی نیروهای داخلی مخالف طرفدار را میتوان چنین ترسیم کرد:

نیروهای داخلی مخالف انقلاب، نیروهای متحد خارجی خود را در چهره امپریالیسم آمریکا، دولتهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن و کانادا، دولت مائوئیستی چین و همچنین دولتهای و نیروهای دست‌نشانده و یا متحد امپریالیسم از یکسو، و جنبه ضدامپریالیستی هوادار انقلاب ایران را در چهره کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورها و نیروهایی که علیه امپریالیسم مبارزه میکنند، از سوی دیگر، یخویی شناخته‌اند.

اما نیروهای داخلی انقلابی، دشمن اصلی - امپریالیسم آمریکا را میشناسند و میتوان گفت خوب میشناسند. ولی برخی از نیروهای انقلابی، متحدان امپریالیسم آمریکا را، دولتهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن و کانادا و چین مائوئیستی را، بعنوان دشمنان سرسخت انقلاب ایران، هنوز به قدر کافی نمی‌شناسند، دولتهای و نیروهای فرمانبردار امپریالیسم را کم‌می‌شناسند و دوستان انقلاب را یا خیلی کم می‌شناسند و یا اصلاً نمی‌شناسند و یا حتی آنها را هنوز دشمن می‌انگارند.

اینها نقاط ضعف سیاسی بزرگی برای نیروهای انقلابی است، که مخالفان انقلاب از آنها بشیوه‌های مختلف بهره‌برداری میکنند. به برخی از این شیوه‌ها یا خلاصه اشاره می‌کنیم:

کوشش برای مغدوش کردن مرز بین دوستان و دشمنان خارجی انقلاب

- کوشش در جا انداختن این پندار که گویا دولتهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن و کانادا چندان هم دشمن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیستند، آنها خود زیر فشار و «زیر تهدید ابرقدرتها» هستند و، در نتیجه، «ما یک زمینه مشترک با ژاپن و اروپا داریم» و بنابراین ما میتوانیم و باید روابط خود را با آنها بر این مبنا که «آنها به منابع انرژی ما احتیاج دارند و ما به تکنولوژی آنها»، گسترش دهیم. این کوششی است در جهت گشودن «پنجره‌ای» که از آن، ابتدا انحصارات و دولتهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن و کانادا وارد شوند، که قهراً منجر به بازگشت تدریجی امپریالیسم آمریکا نیز خواهد شد.

- کوشش در جا انداختن این پندار که گویا برقراری و گسترش مناسبات با اتحاد شوروی، افتادن در «دامن» این کشور است. هشدار میدهند که باید توجه داشت، ضمن مبارزه با امپریالیسم آمریکا، به «دامن روسیه» نیفتاد، زیرا که این «روسیه» نیز سوسیالیسم امپریالیسم است، که در آن «تزارهای نوین» یا طبقه استثمارگر نوینی حکومت میکند و لذا استثمارگری نظیر یا شبیه آمریکاست، با «دامنی» که، هر کس در آن بیفتد، دیگر رهائی نخواهد یافت. این کوششی است در جهت معانعت از برقراری مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی، معانعت از تحقق حمایت اتحاد شوروی از انقلاب ایران، یعنی اجرای «خط برژینسکی»، که هدفش تضعیف «ژوئیه خمینی» و شکستن آنست.

- کوشش در جا انداختن این پندار که گویا هیچ کشوری در جهان امروزی ما مستقل نیست و نمیتواند باشد. همه کشورهای جهان یا زیر سلطه ابرقدرت آمریکا و یا زیر سلطه ابرقدرت «روسیه» قرار دارند. مصر در دوران ناصر زیر سلطه «روسیه» افتاده بود، چنانکه مصر در دوران سادات زیر سلطه آمریکا است. لیبی دیروز زیر سلطه آمریکا بود و امروز زیر سلطه «روسیه» قرار گرفته است. کشور مستقلی نتواند، که نخواهد یافت. این کوششی است که میتواند یا باعث انزوی کامل ایران گردد، و در نتیجه، زمینه شکست انقلاب را فراهم کند، و یا قبح برقراری مناسبات با کشورهای زیر سلطه امپریالیسم را بزاید و، در نتیجه، «دریچه‌ای»، ابتدا برای ورود عمال امپریالیسم، و سپس خود امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، بگشاید.

- کوشش در جا انداختن این پندار که گویا نمیتوان با دیگر کشورهای «جهان سوم» جنبه مشترکی علیه «دو ابرقدرت» بوجود آورد. کوشندگان اشاعه این پندار، نیک میدانند که هیچیک از کشورهای سوسیالیستی برخوردارند، حاضر به جنبه‌گیری بر ضد اتحاد شوروی نیستند، چون به تجربه دریافته‌اند که این حمایت‌بی‌شائبه است، کمترین خدشه‌ای به استقلال آنها وارد نمی‌آورد که سهل است، عامل کمکی نیرومندی است برای حفظ و تحکیم استقلال آنها در مبارزه بر ضد امپریالیسم. پس «جنبه مشترک» در واقع و در عمل به معنای گسترش مناسبات با کشورهای زیر سلطه امپریالیسم، یا گشودن همان «دریچه‌ای»، است که در بالا ذکر آن رفت.

- کوشش در جا انداختن مفهوم «دوری یکسان» از «دو ابرقدرت» در شعار «نه شرقی و نه غربی»، و تهی کردن مفهوم «استقلال» و «بهره‌گیری» از هرگونه وابستگی، از این شعار. اگر شعار «نه شرقی و نه غربی»

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود!

بیانگر سیاستی برای حفظ و تحکیم استقلال و بهره‌گیری از هرگونه وابستگی باشد، شعار درستی است. چنین سیاستی در عمل سیاستی ضد امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، خواهد بود، چون تحقق آن نسبت به اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی تحصیل حاصل است، زیرا که سیاست این کشورها نه فقط در جهت سلطه‌جویی و نفوذ استقلال دیگر کشورها نیست، بلکه برعکس، در جهت کمک به دیگر کشورها برای رهائی از زیر سلطه امپریالیسم و کسب و تحکیم استقلال است. کوشش در جا انداختن مفهوم «دوری یکسان» و «مبارزه یکسان» یا «دو ابرقدرت»، کوششی است در جهت معانعت از برقراری و گسترش مناسبات دوستانه یا اتحاد شوروی، معانعت از حمایت عملی اتحاد شوروی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، که تحقق همان خط سیاسی آمریکا معروف به «خط برژینسکی» است.

با اندک دقتی میتوان بروشنی دید که منشاء همه این شیوه‌ها «تئوری» امپریالیستی - مائوئیستی «دو ابرقدرت» و «سه جهان» است، که برای بدنام کردن سوسیالیسم و اتحاد شوروی، جدا کردن کشورها و جنبشهای ضد امپریالیستی از متحد طبیعی آنها - کشورهای سوسیالیستی - برای شکستن انقلابهای رهائی‌بخش ساخته شده است. هر گاه مترسک «خطر شوروی» را هم که دستکاه عظیم تبلیغاتی امپریالیسم همواره با یاد تبلیغات دروغین پاهاتراز درمی‌آورد، بر این «تئوری» و شیوه‌های اجرای آن بیفزاییم، آنگاه بهتر و آشکارتر میتوانیم دریابیم که، تمامی فعالیتهای تبلیغاتی - سیاسی امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، برای سرکوب جنبشهای استقلال‌طلبانه و انقلابیهای استقلال‌طلبانه همه خلقها در سراسر جهان، روی محور شوروی‌ستیزی می‌چرخد، زیرا اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بزرگترین نیروی مدافع و حامی خلقها در میدان مبارزه ضد امپریالیستی است، زیرا هر کشور مستقل و هر جنبش و انقلاب ضد امپریالیستی، که از این حمایت برخوردار شود، شکست ناپذیر میگردد، و برعکس، هر کشور و هر جنبش و انقلاب ضد امپریالیستی، که از این حمایت محروم گردد، شکست‌پذیر می‌شود.

دوستان انقلاب: همه کشورهای سوسیالیستی و ضد امپریالیستی

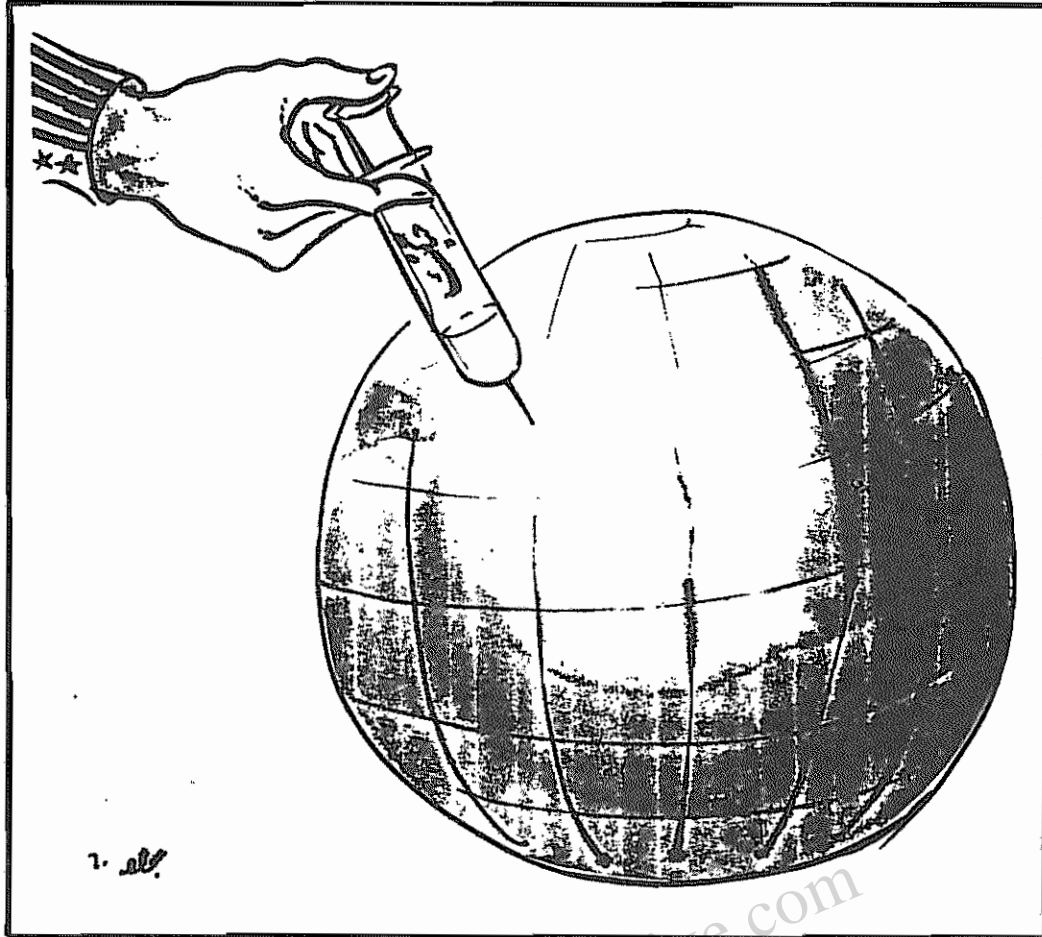
از اینروست که شناخت دوستان و دشمنان خارجی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، اهمیت سرنوشت‌ساز کسب میکند، ضرورت مبرم انقلابی، وظیفه ضرورت مبرم انقلابی است. بنظر ما، هر نیروی انقلابی راستینی که دچار پیشداوری ضد شوروی نباشد و یا بتواند عینک این پیشداوری را از چشم خود بردارد، میتواند، با یک نگاه گذرا به موضعگیری همه کشورهای خارجی نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، بروشنی ببیند که اتحاد شوروی و همه کشورهای سوسیالیستی متحد و هم‌رزم اتحاد شوروی، همه کشورهای که استقلال خود را کسب کرده‌اند و در مبارزه بر ضد امپریالیسم از پشتیبانی و کمک اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی برخوردارند، پشتیبانان صدیق انقلاب و جمهوری اسلامی ایران‌اند و همواره دست دوستی بسوی ما دراز کرده‌اند. این دیگر بر ماست که این دست دوستی را بفشاریم و با همه این کشورهای مناسبات، هر چه ممکن است و به اندازه که لازم است، گسترده‌تر و همه‌جانبه‌تر برقرار کنیم. به نظر ما، این یکی از عمده‌ترین مسائل گره‌های انقلاب است، که متأسفانه هنوز حل نشده است و باید حل گردد.

این نظر ماست. برای تخطئه این نظر و برای جلوگیری از اتخاذ سیاستی در جهت برقراری و گسترش مناسبات دوستانه با کشورهای دوست انقلاب است که مخالفان انقلاب بما (به حزب توده ایران) بر چسب «وابستگی» می‌زنند، ولی این اتهام کثیفی بیش نیست. ما وابسته نیستیم، ما کمترین وابستگی به هیچ کشوری، از جمله به کشور اتحاد شوروی نداریم. و نه فقط ما، هیچ حزب اصیل کارگری بیرو آموزش سوسیالیسم علمی، کمترین وابستگی به هیچ حزب و دولت دیگری ندارد. اگر ما مصرانه خواستاریم که نیروهای انقلابی راستین باید دوستان خارجی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را بشناسند، اگر ما مکرر تکرار می‌کنیم که باید مناسبات دوستانه و کاملاً برابر حقوق و بر مبنای مصالح و سود متقابل با کشورهای دوست و از جمله و بویژه با اتحاد شوروی برقرار کرد، بخاطر اینست که ما خواستار صدیق استقلال تام و تمام کشور عزیزمان ایران، خواستار حفظ انقلاب در برابر دسیسه‌های امپریالیستی، بسرکردگی آمریکا - خواستار ایجاد امکان برای سازندگی ایرانی مستقل، آزاد، آباد و نیرومند هستیم. ما حقایق را میگوئیم و معتقدیم که سرانجام حقیقت و واقعیت، هم پرده دروغ مغرضانه را می‌برد و هم دود پندارها و پیشداوریها را پراکنده میکند.

بیش از دو سال از پیروزی انقلاب بزرگ خلق قهرمان ایران می‌گذرد. به نظر ما، این مدت برای شناخت دوستان خارجی انقلاب از سوی نیروهای انقلابی راستین، مدت کمی نیست. باید به روند شناخت دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شتاب بیشتری داد. جمهوری اسلامی ایران، که قهراً نمیتواند بی‌نیاز از برقراری مناسبات با دیگر کشورها باشد و طبعاً بایستی دوستان و دشمنان خارجی انقلاب را از یکدیگر تفکیک کند، باید دشمنان را بجای دوستان و بالعکس دوستان را بجای دشمنان نگیرد، مناسبات خارجی خود را با دوستان برقرار کند، این مناسبات را، هر قدر ممکن است و هر قدر لازم است، گسترش دهد، تا در نبردی سرنوشت‌ساز، که با امپریالیسم در پیش دارد و برای مدت درازی در پیش دارد، نیرومندتر و نیرومندتر گردد.

آری، به نظر ما شناخت دوستان و دشمنان خارجی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، ضرورت مبرم انقلابی، وظیفه ضرورت مبرم انقلابی است.

گسترش دامنه تجاوز اسرائیل در لبنان با پشتیبانی امریکا، صلح و امنیت این منطقه را با خطری جدی روبرو کرده است



در سال ۱۹۶۷ اسرائیل در مسافت ۹۰ کیلومتر با لبنان هم مرز بود. پس از جنگ ۱۹۶۷ میان اسرائیل و کشورهای عربی، این مرز به ۱۳۰ کیلومتر رسید، یعنی بخشی از مرز سوریه و لبنان در جنوب شرقی این کشور تحت کنترل اسرائیل قرار گرفت.

تجاوز اسرائیل علیه لبنان از سال ۱۹۶۸ آغاز شد. در این سال اسرائیل ۲۵ کیلومتر از سرزمین لبنان، از آن جمله پنج آبادی در جنوب لبنان را تصرف کرد. در جنوب لبنان ۲۵۰ هزار نفر فلسطینی زندگی می‌کنند که در هفت اردوگاه به سر می‌برند. دو اردوگاه در سدهیه، یک اردوگاه در نیا تیه و چهار اردوگاه دیگر در اطراف منطقه تیر.

در سال ۱۹۶۷، یعنی سال جنگ اعراب و اسرائیل، حملات هوایی اسرائیل به لبنان، به بهانه وجود اردوگاه‌های فلسطینی، در جنوب لبنان آغاز گردید. علاوه بر این، اسرائیل چند بار به جنوب لبنان تجاوز کرد. پس از جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۷۵ و به ویژه از سال ۱۹۷۶ به بعد و پس از ورود واحدهای نظامی سوریه به این منطقه، اسرائیل کمک‌های نظامی خود به گروه‌های راست‌گرا در لبنان را آغاز کرد.

در سال ۱۹۷۸، اسرائیل سرزمین‌های جنوب رود لیتانی غیر از منطقه تیر را اشغال کرد، اما در نتیجه فشار از جانب سازمان ملل متحد و مقاومت اهالی این منطقه، ناگزیر به ترک این منطقه شد و نوار مرزی منطقه اشغالی را در اختیار گروه تروریستی سرهنگ سعد حداد قرار داد. در این سال، پس از حمله اسرائیل به لبنان، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد به لبنان اعزام شدند. سرهنگ سعد حداد در زمینی به وسعت ۹۰۰ کیلومتر مربع را، که شامل ۴۱ قریه به ۱۵۰ هزار نفر سکنه بود، "لبنان آزاد" اعلام کرد. اما بسیاری از اهالی این منطقه، در نتیجه رفتار خشن تانک و قتل و غارت تروریست‌های گروه سعد حداد، از این منطقه فرار کردند و در حال حاضر سکنه آن نزدیک به ۶ هزار نفر است. پس از اشغال نوار مرزی لبنان از جانب گروه تروریستی سرهنگ سعد حداد، توطئه‌ها و تحریکات اسرائیل در جنوب لبنان گسترش یافت و گروه‌های راست‌گرا در این کشور مورد حمایت اسرائیل قرار گرفتند.

در آذرماه سال ۱۳۵۹ واحدهای ارتش اسرائیل بار دیگر به خاک لبنان تجاوز کردند و چهار کیلومتر در خاک لبنان پیشروی نمودند. برای جلوگیری از این تجاوز، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد به حال آماده باش درآمدند. از ۲۸ آذرماه ۱۳۵۹ تاکنون، تجاوز مستمر واحدهای ارتش اسرائیل به خاک لبنان ادامه دارد و توپخانه اسرائیل به طور منظم این منطقه را زیر آتش می‌گیرد و هواپیماهای اسرائیلی جنوب لبنان را بمباران می‌کنند.

در آذرماه ۱۳۵۹، در حالی که واحدهای متجاوز اسرائیل در جنوب لبنان به عملیات گسترده‌ای پرداختند و دهکده‌های بی دفاع و اردوگاه‌های فلسطینی مورد حملات و بمباران‌های شدید نیروی هوایی اسرائیل قرار گرفتند، ژنرال دیوید جونز، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح امریکا، برای بازدید از واحدهای نظامی اسرائیل مستقر در بلندی‌های جولان و نوار مرزی اسرائیل و لبنان، به اسرائیل آمد. و این دیدار تأییدی بود بر حمایت دولت امریکا از تجاوز اسرائیل علیه لبنان.

شفیق وزان، نخست‌وزیر لبنان، در آذرماه ۵۹، در مورد تجاوز گسترده اسرائیل به خاک لبنان، طی مصاحبه تلویزیونی خود، تأکید کرد که اوضاع

انفجار آمیز لبنان ایجاد می‌کند که یک استراتژی هماهنگ اتخاذ شود و اضافه کرد که در غیر این صورت ادامه این درگیری‌ها در جنوب لبنان، تنها به نفع رژیم اشغالگر قدس خواهد بود. وی گفت که اسرائیل از این اوضاع همواره مانند برگ برنده‌ای استفاده کرده است.

روزنامه "الشعب" در تفسیر خود پیرامون اوضاع لبنان نوشت: "نیروهای محافظه کار مسیحی قصد دارند نیروهای سوریه را وادار به عقب نشینی از لبنان کنند، تا بدین وسیله به نیروی اشغالگر قدس امکان داده شود که سلطه خود را بر سراسر خاک لبنان مستقر کند."

تجاوز نیروهای مسلح اسرائیل در آذرماه ۱۳۵۹ چنان وضع انفجاری در این منطقه پدید آورد که صلح و امنیت این منطقه را به خطر انداخت و احتمال درگیری نظامی مستقیم میان واحدهای متجاوز اسرائیل با نیروهای مسلح سوریه را تشدید کرد. در آن زمان سفیر اتحاد شوروی در لبنان، طی مصاحبه‌ای با خبرنگار روزنامه "القبس" اظهار داشت که اگر دولت اسرائیل عملیات تجاوزی گسترده علیه واحدهای نظامی سوریه و لبنان را ادامه دهد، اتحاد شوروی، با توجه به پیمان دوستی و همکاری سوریه و اتحاد شوروی، نسبت به چنین تجاوزی بی تفاوت نخواهد بود.

حافظ اسد رئیس جمهور سوریه، با توجه به اوضاع متشنجی که بر اثر تجاوز اسرائیل در آذرماه ۱۳۵۹ پدید آمده بود، به پیمان دوستی و همکاری سوریه و اتحاد شوروی اشاره کرد و گفت: "این پیمان در جهت منافع خلق‌های عرب است." وی افزود: "توجه به اوضاع کنونی این منطقه است که پیمان دوستی و همکاری سوریه با اتحاد شوروی از اهمیت بسیار فوق العاده‌ای برخوردار است."

بحران لبنان نتیجه مستقیم تجاوز اسرائیل به پشتیبانی امریکا است

بدین ترتیب اوضاع فوق العاده

و خبیثی که اکنون در لبنان پدید آمده، از نتایج مستقیم تجاوزهای بی‌دریغی و واحدهای ارتش اسرائیل و بمباران‌های هوایی آن علیه لبنان است که از آذرماه ۵۹ به بعد با شدت و گسترش روزافزونی انجام گرفته است. دولت صهیونیستی اسرائیل علاوه بر تجاوز نظامی به خاک لبنان و دیگر اقدامات تروریستی و توطئه‌گرانه علیه رزمندگان جنبش آزادی بخش فلسطین و نیروهای بازدارنده سوریه، فعالیت شبکه‌های جاسوسی خود را در سرزمین لبنان گسترش می‌دهد و تلاش دارد که به وسیله عمال و جاسوسان خود در داخل خاک لبنان، نفاق و تفرقه و درگیری‌های مسلحانه میان گروه‌های مختلف اهالی این کشور را دامن زند.

در دی ماه سال ۱۳۵۹، طبق اطلاعیه رسمی سازمان آزادی بخش فلسطین، یک شبکه جاسوسی موساد (سازمان جاسوسی اسرائیل) و "سیا" امریکا در بیروت کشف شد. در این اطلاعیه، که در روزنامه "الرای العام" منتشر شد، خاطر نشان شده است که رهبر این شبکه با چمبرلین، یکی از کارمندان سفارت امریکا، در بیروت بوده است.

عمل این شبکه جاسوسی چند نفر را به قتل رسانیده و سعی داشته‌اند که در سازمان آزادی بخش فلسطین و نیروهای ملی و میهن دوست لبنان نفوذ کنند. این جاسوسان نقشه موسسات صنعتی و محل استقرار واحدهای بازدارنده سوریه و تاسیس نظامی لبنان را از طریق سفارت امریکا برای بمباران و هدف آتش توپخانه در اختیار اسرائیل می‌گذارند.

کشف این شبکه جاسوسی، به رهبری یکی از کارمندان رسمی سفارت امریکا، بار دیگر ریاکاری دولت امریکا را که تلاش دارد در صورت ظاهر، خود را هوادار کاهش تشنجات و درگیری‌ها در لبنان نشان دهد، فاش کرد و این واقعیت را تأیید نمود که تجاوزات گسترده واحدهای ارتش اسرائیل به لبنان و بمباران اردوگاه‌های فلسطینی در این منطقه، طبق نقشه هماهنگ و توافق یافته میان دولت صهیونیستی اسرائیل و دولت امریکا انجام می‌گیرد، زیرا هدف‌های نظامی و استراتژیک امپریالیسم امریکا با سیاست تجاوز -

خلق‌های عرب و به طور کلی خلق‌های این منطقه، نقش موثر و برجسته‌ای دارند و مانع بزرگی بر سر راه استقرار مجدد سلطه امپریالیسم امریکا در این منطقه هستند.

دو ماه پیش، الکساندر هیک، وزیر امور خارجه امریکا، به این منطقه مسافرت کرد و از اسرائیل و تعدادی از کشورهای عربی وابسته امریکا دیدار کرد. مقدمات تشنجات کنونی لبنان، که در نتیجه گسترش عملیات تجاوزی اسرائیل علیه لبنان تشدید گردیده، در این مسافرت آماده شد، و اکنون دامنه این تشنجات تا جایی توسعه یافته، که خطر درگیری نظامی مستقیم میان اسرائیل و سوریه را به وجود آورده است.

این درگیری در صورت وقوع می‌تواند به سراسر منطقه گسترش یابد و به درگیری نظامی بزرگی به مقیاس منطقه تبدیل شود.

پس از مسافرت الکساندر هیک، وزیر امور خارجه امریکا، فیلیپ حبیب، فرستاده ویژه رئیس جمهور امریکا، به این منطقه آمد. دولت امریکا باروانه کردن فرستاده‌های خود، یکی پس از دیگری، تلاش دارد که خود را نگران اوضاع متشنج این منطقه نشان دهد، در حالی که عامل عمده این تشنجات، توطئه‌ها و تحریکات خود امریکا در این منطقه و حمایت و پشتیبانی بی‌چون و چرای دولت امریکا از سیاست تجاوزگرانه و توسعه طلبانه دولت صهیونیستی اسرائیل در این منطقه است.

مسافرت فیلیپ حبیب نیز، که گویا به منظور کوشش برای کاهش وخامت اوضاع این منطقه انجام گرفته، همان هدف تضعیف مواضع جنبه پایداری و هموارتر کردن راه تجاوز نظامی اسرائیل علیه لبنان و سوریه و دیگر کشورهای مستقل ملی این منطقه را دنبال می‌کند. تمام تلاش فیلیپ حبیب، فرستاده ویژه ریگان، در این زمینه بود، تا سوریه را وادار سازد که موشک‌های ضد هوایی سام، یعنی یگانه سپر دفاع ضد هوایی را از خاک لبنان بردارد، تا هواپیماهای اسرائیل بتوانند بلا مانع به پروازهای اکتشافی بر فراز لبنان و بمباران اردوگاه‌های فلسطین در خاک لبنان ادامه دهند.

عبدالحلیم خدام، وزیر امور خارجه سوریه، پس از مسافرت فیلیپ حبیب، فرستاده ویژه رئیس جمهور امریکا، اظهار داشت:

"سوریه تصمیم گرفته است با تحریکات نیروی اشغالگر قدس مقابله کند و قصد انتقال موشک‌های ضد هوایی خود از جنوب لبنان را ندارد."

وزیر امور خارجه سوریه، ضمن اظهار این مطلب که، استقرار موشک‌های سام در منطقه بحرانی جنوب لبنان در درجه اول جنبه دفاعی دارد، یادآور شد که:

"سوریه تسلیم باج‌خواهی وزور - گویی رژیم اشغالگر قدس یا نیروهای دیگری نخواهد شد. یک مقام عالی رتبه لبنانی، در گفتگویی با خبرنگاری کویت، اظهار داشت:

"مرحله نخست ماموریت فیلیپ حبیب، فرستاده ویژه رئیس جمهور امریکا، با شکست مواجه شده است."

کشورهای سوسیالیستی - پشتیبان جنبه پایداری و جنبش آزادی بخش ملی عرب

وضع بحرانی که در نتیجه تجاوزات بقیه در صفحه ۶

همه کارگران شهرداری سراب باید رسمی شوند!

شدید! یکبار به ما گفتند که دیگر سرکار نیابید، ولی ما به کار ادامه دادیم. ما مجبوریم کار کنیم، چون هرکدام باید مخارج هفت-هشت نفر را تامین کنیم. ما حتی به اداره کل امور مالی واداری استناداری شکایت کرده ایم. اخیراً نامه ای از آنجا به شهرداری نوشته شده و قرار شده است حقوق معوقه و همچنین عیدی ما پرداخت شود، ولی باز هم شهرداری مانع این کار شده است. در مورد وضع بیمه آن ها پرسیدیم:

در شهرداری سراب هفتاد نفر کارگر دائمی کاری کنند. دوازده نفر از آن ها کار خود را از سه سال پیش آغاز کرده اند، ولی هنوز حکم رسمی بدست آن ها نداده اند. این دوازده نفر طی سه سال گذشته درد ورنج فراوان و کم-شکنی را تحمل کرده اند. در یک کلمه می توان گفت که از هر نوع مزایایی محرومند. آن ها حتی حقوق روزهای راهم که کاری کنند، به طور کامل دریافت نمی کنند.

گفت: "به هریک از ما ماهیانه بر روی هم حدود ۲۲۵۰۰ ریال حقوق می دهند. هر ماه مبلغ هزار و سیصد ریال بابت بیمه از حقوق ما کسر می شود. در مقابل به ما دفترچه سفیدی داده اند که هیچ پزشکی به آن توجه نمی کند و اصولاً هیچ جا باین دفترچه ما را تحویل نمی گیرند. ما مجبوریم پول پزشک و دارو را از حقوق ناچیز خود برداریم. در حال حاضر سه نفر از ما دوازده نفر در جبهه هستند. حال نمی دانیم پس از مراجعت از جبهه می توانند به کار خود ادامه دهند یا خیر؟"

کارگران غیررسمی برای رسیدگی به خواست های قانونی خود سه تن را از میان خود به عنوان نماینده برای تماس با مسئولان امر انتخاب کرده اند. با یکی از این سه تن به گفتگو نشستیم. او گفت: "ما سه سال است اینجا کاری کنیم. در این مدت ما حتی یک روز مرخصی نداشته ایم. حتی جمعه ها هم کاری-کنیم. نه عیدی داده اند و نه مزایایی به ما تعلق گرفته است. برای روزهای جمعه که کار می کنیم، نه تنها حقوق بیشتری نمی دهند، بلکه اصلاً حقوقی پرداخت نمی شود. در ماه سی روز کار را ما می دهند."

از او پرسیدیم: "تا بحال به چه مراجعی شکایت کرده اید و پاسخ آن ها به شما چگونه بوده است؟" گفت: "تا بحال چند بار به شهردار مراجعه کرده ایم، ولی تهدید به اخراج

خواست های عادلانه کارگران شهرداری سراب بدون تردید قانونی است و باید مورد توجه شهرداری سراب قرار گیرد. بی اعتنائی به خواست های برحق کارگران زمین را برای سوء استفاده عناصر ضدانقلاب فراهم می کند، که به هیچوجه به نفع انقلاب نیست.

مدیریت غیر انقلابی را از کارخانه ها برانید!

در حوالی محله قهوه ملک تبریز، یک کارخانه خانه سازی مجهز به ماشین آلات پیشرفته و خودکار قرار دارد. جمع کارکنان این کارخانه بالغ بر هزار و پنجاه نفر و تولید آن، خانه های پیش ساخته است.

بعد از پیروزی انقلاب، تولید کارخانه همیشه سیر نزولی داشته است و حقوق کارکنان آن با تاخیر پرداخت می شود. علت عمده این عوارض را باید در ضعف و کار شکنی مدیریت جستجو کرد.

یکی از نمونه های مشخص فعالیت مدیریت در این کارخانه مورد زیر است:

سال گذشته، کارگران با درک محدودیت ها و حساسیت شرایط جنگی و ضرورت شکیبایی و با احساس مسئولیت، از دریافت عیدی خود-اری و رزی شدند. اما بعد از مدتی معلوم شد که عیدی کارگران از طرف مدیریت بین چند نفر محدود تقسیم شده است. کارگران با اطلاع از این مسئله، آن را با مقامات مسئول در میان گذاشتند و در نتیجه، مدیر کارخانه دستگیر شد.

مورد بالا هشدار است به مسئولین، تا هشیاری خود را در-بر-گیری مدیران افزایش دهند. ما بازم تکرار می کنیم: اعمال مدیریت انقلابی در کارخانه های یک ضرورت درنگ ناپذیر است و مسامحه در آن به سود ضدانقلاب. مسلماً وجود یک مدیریت انقلابی اجازه کاهش منظم سطح تولید را نمی داد. گذشته از آن، امکان سوء استفاده از حقوق ابتدایی کارگران نیز به وجود نمی آمد. انقلاب نمی تواند و نباید در این درگیری ها بی طرف بماند. فقط در مقام دفاع از زحمتکشان، پایه های انقلاب در خانه های کار و تلاش استوار می شود و ضدانقلاب می گریزد.

جواب مثبت به خواست های بحق کارگران ضرورت انقلاب است!

با توافق مدیرعامل، نماینده وزارت کار و نمایندگان کارگران، در کارخانه تهران کمیکال به کارگران فوق-العاده دوری راه و بدی آب و هوا پرداخت می شود.

شورای کارگران کارخانه تهران کمیکال در سال ۱۳۵۸ از مدیریت کارخانه خواست تا به کارگران درازای بدی آب و هوا و دوری راه، فوق العاده های پرداخت شود. این خواست کارگران در آن زمان از طرف مدیریت کارخانه به علت کمبود تولید، به عقب افتاد. اما مدیریت تضمین کرد که به محض رسیدن تولید به حد لازم، خواست کارگران را عملی کند.

به دنبال رسیدن تولید به حد لازم، در تاریخ ۱۶/۱/۵۷ جلسه ای با شرکت مدیرعامل کارخانه، نمایندگان کارگران و نماینده وزارت کار برگزار شد. پس از تبادل نظر بین طرفین، تصویب شد که از فروردین امسال ماهیانه به هریک از کارگران کارخانه مبلغ ۶۰۰۰ ریال برای بدی آب و هوا و دوری راه پرداخت شود. امیدواریم مورد فوق، که نشان دهنده برخورد صحیح از هر دو طرف است، در حل دیگر مشکلات نیز نمونه و الگو قرار گیرد. با این گونه برخورد های اصولی، نه تنها دست ضدانقلاب برای تفرقه افکنی و ایجاد تشنج بسته می شود، بلکه کارگران نیز در امر تولید تشویق و یاری می شوند.

وزارت بازرگانی باید از کارشکنی سرمایه داران بزرگ در امر توزیع پروفیل جلوگیری کند!

مثلاً هزینه تولید پروفیلی که ده بار سنگین تر از پروفیل دیگر است، تفاوت چندانی با پروفیل سبک ندارد، در حالیکه قیمت فروش آن در بازار باید کیلویی چند برابر ارزانتر از پروفیل سبک باشد، بنابراین، برای تولید کننده و تولید پروفیل سنگین سود بیشتری در پی دارد. حال اگر آنها مجبور به تولید مقداری پروفیل سبک شوند، سعی می کنند به میزان بسیاری تولید کنند، و تازه آنرا نیز از طریق واسطه ها به قیمت گزاف و بدون فاکتور می فروشند.

چندی پیش وزارت بازرگانی به منظور تقسیم پروفیل بین کارگران و مغازه داران جوشکار در تهران و شهرستان ها، دست به اقداماتی زد. بر اساس تصمیمات این وزارتخانه، مقرر شد که کارگران جوشکار به گروه های شانزده نفری تقسیم شوند و به هر یک از آنها ماهانه یک تن پروفیل داده شود، تا بدون واسطه به آهن دسترسی پیدا کنند.

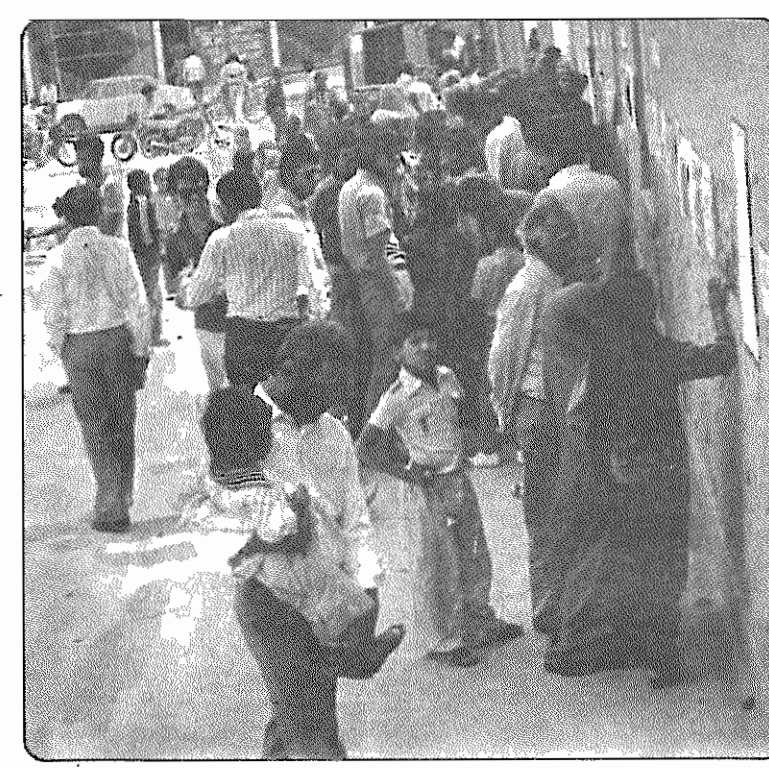
این اقدام وزارت بازرگانی با استقبال کارگاه های جوشکاری و در و پنجره سازی روبرو شد. متأسفانه در این مورد اشکالاتی پدید آمده است که می تواند این برنامه را در آینده با ناکامی مواجه سازد. مسئله از این قرار است که سرمایه داران بزرگ و کارخانم داران سخت با این برنامه وزارت بازرگانی مخالفند و علیه آن کارشکنی می کنند. ناگفته نماند که هنوز هم مقدار قابل توجهی پروفیل بصورت قاچاق در بازار موجود است و از سوی سرمایه داران بزرگ در زمینه توزیع پروفیل بین کارگاه های کوچک، کارشکنی هایی به عمل می آید.

علاوه در کارخانه ها افرادی هستند که در امر واگذاری پروفیل به سرمایه داران بزرگ، با دریافت حق کمیسیون محرمانه، مبالغ کلانی به جیب میزنند، که با توجه به مسئله تقسیم عادلانه پروفیل بین واحدهای کارگری کوچک، به سود پرستی آنان لطمه وارد شده است. این افراد دلال و سودجو بخاطر منافع شخصی خود، به اتفاق سرمایه داران بزرگ در کار تقسیم پروفیل کارشکنی میکنند، تا بتوانند احتمالاً نظام تازه شکل گرفته تقسیم پروفیل را برهم زنند و کارهای توزیع پروفیل را از دست کارگران خارج کنند. علت اینکه کارخانه های تولید کننده پروفیل، پروفیل های سبک تولید نمی کنند، دقیقاً در ارتباط با خصلت عمومی سرمایه است، یعنی سود هر چه بیشتر، برای مثال ماشین آلات خط تولید را بجای تولید پروفیل سبک به تولید پروفیل سنگین، که قیمت وزنی آن در بازار با قیمت پروفیل سبک چندان تفاوتی ندارد، اختصاص می دهند.

نحوه دیگر، مبارزه با مسئله توزیع آهن، ایجاد کمبود و کم رسانی مواد خام، از قبیل ورق روغنی و سفید است. مسئله دیگر ناپیگیری وزارت بازرگانی در مبارزه با سرمایه داران بزرگ است. در حال حاضر به میزان ۷۰٪ نیازهای عمومی در کشور آهن موجود است، اما با قیمت گزاف بدست مصرف کننده می رسد. ناگفته نماند که از طریق فروش قاچاق و بدون فاکتور آهن برخی از سرمایه داران بزرگ، روزانه دهها هزار تومان سود می برند و در یک کلام بندوبست های عجیب و غریبی در کار فروش آهن وجود دارد.

در حال حاضر دو اتحادیه و یک شرکت تعاونی توزیع آهن وجود دارد، ولی متأسفانه هیچک از اتحادیه ها و شرکت تعاونی سودی برای مصرف کننده در بر ندارند. بدون اغراق باید گفت که چهار صد تریلی آهن توزیع شده است، اما حتی ده نفر از مصرف کنندگان نتوانسته اند آهن مورد نیاز خود را به بهای قانونی تهیه کنند، زیرا ناراحتی و سرگردانی هایی که در جریان توزیع حاصل میشود، عملاً کار را چنان دشوار کرده است که مصرف کننده از دست یابی به آهن به قیمت قانونی منصرف میشود و خریدگران تر آنرا ترجیح می دهد. وزارت بازرگانی باید امر توزیع آهن و پروفیل را خود بدست گیرد و با شدت هر چه تمام تر با واسطه ها و سرمایه داران بزرگ مبارزه کند، تا مصرف کننده بتواند آهن مورد نیاز خود را با قیمتی مناسب تهیه کند.

تشکیل نمایشگاه کارگری در اوز فارس



به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت ۶۰) نمایشگاهی از فعالیت جنبش کارگری ایران از طرف کارگران هوادار حزب توده ایران در اوز فارس، در کنار سالن اجتماعات (محل برگزاری مراسم اول ماه مه) برپا شد و با استقبال مردم و کارگران روبرو گردید.

تعطیل «شرکت ساختمانی سد» به سود انقلاب نیست

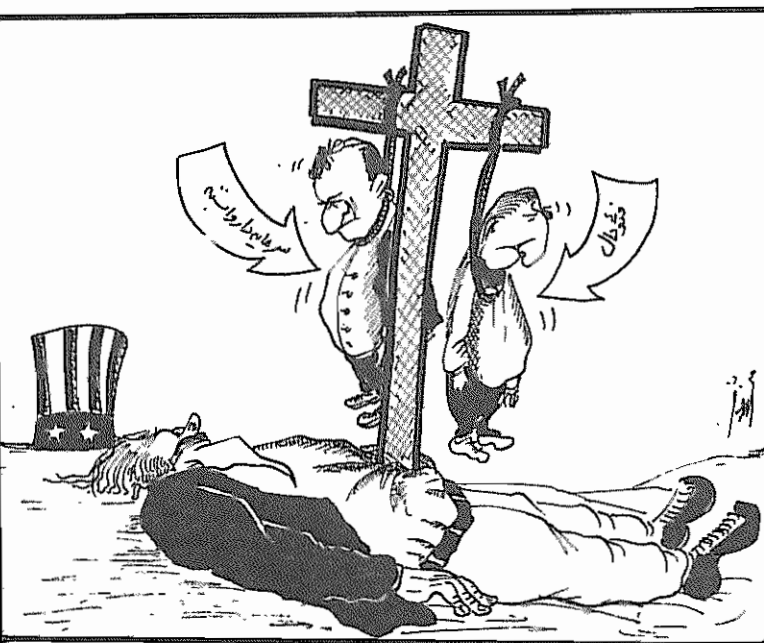
مسئولین، تا هشیاری خود را در-بر-گیری مدیران افزایش دهند. ما بازم تکرار می کنیم: اعمال مدیریت انقلابی در کارخانه های یک ضرورت درنگ ناپذیر است و مسامحه در آن به سود ضدانقلاب. مسلماً وجود یک مدیریت انقلابی اجازه کاهش منظم سطح تولید را نمی داد. گذشته از آن، امکان سوء استفاده از حقوق ابتدایی کارگران نیز به وجود نمی آمد. انقلاب نمی تواند و نباید در این درگیری ها بی طرف بماند. فقط در مقام دفاع از زحمتکشان، پایه های انقلاب در خانه های کار و تلاش استوار می شود و ضدانقلاب می گریزد.

چندی پیش جلسه ای با حضور نمایندگان کارگران، مدیریت و بنیاد مستضعفان در شرکت ساختمانی سد برگزار شد. در این جلسه، که برای بررسی مشکلات کارخانه تشکیل شده بود، مدیریت و نماینده بنیاد مستضعفان بر این باور بودند که به علت وجود مشکلاتی نظیر توقف کارها، ضرر دادن کارخانه و نداشتن بودجه، شرکت نمی تواند به کار خود ادامه دهد و باید منحل شود. این تصمیم با مخالفت عمومی کارگران مواجه شد. آنها معتقدند که علت ضرر کارگاه در عدم برنامه ریزی و ضعف مدیریت شرکت است.

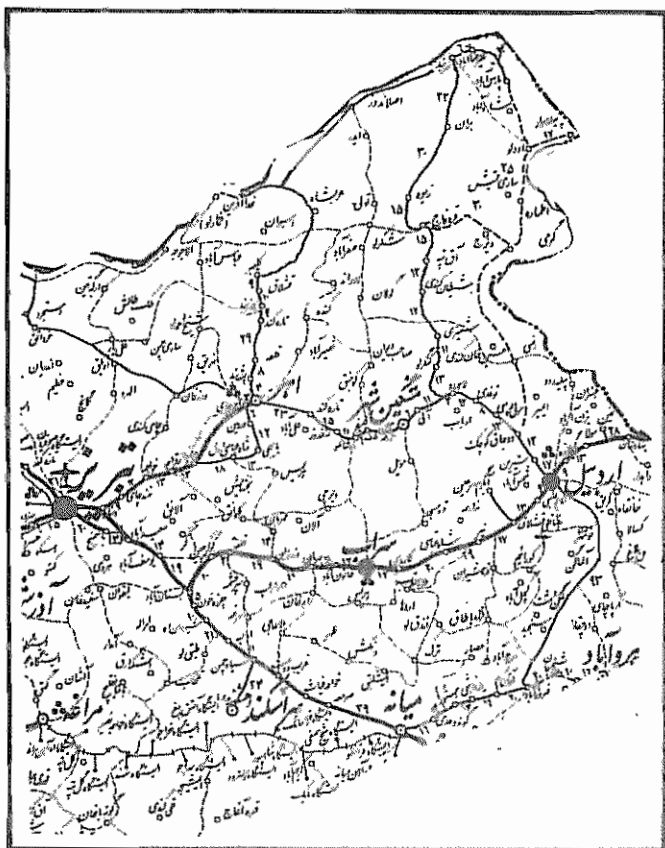
مسئولین امر است که به مشکلات این شرکت توجه لازم را مبذول دارند.

اجرای نمایش در کارخانه «سیم» مشهد، بمناسبت روز اول ماه مه

به مناسبت روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر، روز پنجمین دهم اردیبهشت، نمایشی که توسط خود کارگران تهیه شده بود در یکی از قسمت های کارخانه سیم مشهد اجرا شد و مورد توجه و تشویق کلیه کارگران واقع گردید. کیفیت اجرای نمایش بخوبی نمایانگر سطح و میزان قابل توجه خلاقیت و شکوفایی طبقه کارگر در عرصه های گوناگون از جمله ارائه کارهای هنری است.



ویژه روستاهای آذربایجان شرقی



تمرین، روستای بزرگ آذربایجان، با سستی درخشان از مبارزه و حق طلبی، در جبهه نبرد با صدام دوشهید در راه انقلاب داده است

دهها جوان دهقان تمرین در جبهه علیه توطئه آمریکا می‌روزمند
سی درصد روستائیان بی‌زمین هستند و منتظر اجرای قانون

تشکیل شوراهای ده برای تصام روستاها امری است واجب روستائیان عزیز باید در شرایط دشوار کنونی اختلافات را کنار بگذارند و شورای خود را با اتحاد و برای عملی ساختن خواست‌های مشترک خود تشکیل دهند. اهالی روستا باید توجه داشته باشند که افرادی که از میان آنها برای نمایندگی در شورا انتخاب میشوند، باید افرادی انقلابی، آگاه و دلسوز بحال آنها باشند. باید نهایت سعی را بخرج داد، تا افراد طاغوتی و وابسته به رژیم سابق، نماینده روستائیان زحمتکش نشوند. و بین آنها دو بهم اندازی نکنند و به اختلافات قدیمی طایفهای دامن نزنند.

مستولان دولتی انقلاب نیز موظفند که با در نظر گرفتن شرایط جنگی و دشوار کنونی، به خواست‌های روستائیان زحمتکش توجه کنند. مهم ترین خواست واگذاری زمین‌های مالکان و زمینداران بزرگ، به همراه در اختیار گذاشتن امکانات کافی، مانند آب زراعی، کود، بذر، ماشین‌آلات مدرن کشاورزی و غیره است. به خاطر تقویت انقلاب باید این خواست‌ها را عملی ساخت و سنت‌های درخشان اهالی مبارز و انقلابی این روستا را با هر می در خدمت انقلاب بدل کرد.

اهالی منتظرند تا جبهه سازندگی به سراغ آنها نیز بیاید. اهالی مبارز و انقلابی این روستای بزرگ در زمان طاغوت علیه رژیم فاسد گذشته مبارزه بسیار کرده‌اند و سرمشقی بودند برای تمام اهالی روستاهای اطراف. اخیراً در "نامه مردم" "لوح افتخار" شهیدان این ده، که در سال ۲۵ به دست مزدوران شاه به قتل رسیدند، چاپ شد.

اهالی تمرین به اتفاق با این جنگ تحمیلی را یکی از توطئه‌های آمریکا علیه انقلاب ایران می‌دانند. در حال حاضر تمام منقضی خدمات‌های ۱۵۶ این روستا، که جمعا ۳ نفر هستند، به جبهه اعزام شده‌اند. از این تعداد ۲ نفر شهید و ۳ نفر زخمی شده‌اند. از طرف اهالی برای کمک به جبهه جنگ عادلانه، ۱۰۰۰ تومان پول نقد، ۶۰۰ گونی گندم، ۱۰ گونی آرد و ۱۶ گونی سیب زمینی جمع آوری و به "ستاد جمع آوری کمک به جبهه جنگ"، تحویل شده است.

این روستا شرکت تعاونی نیز دارد جوانان روستا با کوشش هم‌جانانه خود افراد طاغوتی را، که قبلاً کار تقسیم ارزاق عمومی را در دست داشتند، راندند و خود کارها را به دست گرفتند. متأسفانه بعلت وجود اختلافات طایفهای، شوراداران روستا هنوز تشکیل نشده است. البته جوانان این روستا برای تشکیل هر چه زودتر شورا نقش فعالی دارند، اما هنوز به نتیجه‌های رسیده‌اند. امید است که با کمک نهادهای انقلابی و با تکیه به شجاری و حق طلبی سنتی خود، اهالی بتوانند شورای ده را تشکیل دهند.

روستای تمرین با ۵۰۰۰ نفر جمعیت در ۱۸ کیلومتری اردبیل و در دامنه شرقی کوه سیلان قرار دارد. راه ارتباطی این روستا بسیار خراب است و در هنگام ریزش برف و باران عبور از آن به سختی انجام می‌گیرد. تقریباً ۳۰ درصد اهالی این روستا بی‌زمین هستند و هیئت ۷ نفری هنوز به این روستا نیامده است. دهقانان برای تأمین مخارج خود و خانواده مجبورند به روستاها و شهرهای اطراف بروند.

نبودن حمام که نتیجه سوء استفاده‌های بعضی عناصر سوجدوست یکی از مشکلات روستائیان است. اهالی ده به سواد و آموزش توجه زیاد می‌کنند. اکثر جوانان این روستا با سواد هستند و تا بحال ۳۰۰ نفر از جوانان این روستا دیپلمه شده‌اند. یک باب مدرسه راهنمایی با ۲۰۰ نفر شاگرد و ۷ نفر معلم و همچنین ۲ باب مدرسه ابتدایی با ۲۲۲ نفر معلم و ۹۰۰ نفر دانش آموز (حدود ۲۰۰ نفر دختر هستند) در تمرین وجود دارد.

تنها درمانگاه این روستا، علاوه بر خود اهالی، مورد استفاده اهالی روستاهای اطراف نیز قرار می‌گیرد. اما نبودن امکانات کافی، مانند دارو و آمبولانس مشکلاتی را فراهم آورده است.

از طرف "نهضت سواد آموزی"، کلاس سواد آموزی برای اهالی دایر شده است. معلمان این کلاس در نگر از جوانان دیپلمه همین روستا هستند. تأمین برق، آب لوله‌کشی، آشنامدنی و آب زراعی کافی و جاده از دیگر خواست‌های مهم اهالی است.

خواست‌های اصلی اهالی روستای انزاب:

- عمل فوری و قاطع هیئت واگذاری زمین
- تأمین آب و خرید محصول دهقانان به قیمت عادلانه

خراب شده است و اهالی از نظر آب آشامیدنی دچار مضیقه شدند. در انزاب علیا یک دبستان ۵ کلاسه ابتدایی وجود دارد، اما شاگردان راهنمایی به علت نبودن مدرسه راهنمایی به شهر می‌روند و بسیاری هم تحصیلات خود را نیمه‌کاره رها می‌سازند.

این روستا خوشبختانه هم برق دارد و هم کتابخانه، هم حمام دارد و هم یک شمشیرکت نفت و یک شرکت تعاونی. شرکت تعاونی خواربار مورد احتیاج اهالی را، از قبیل قند، شکر، چای، روغن نباتی، برنج و غیره تأمین بقیه در صفحه ۶

در روستای انزاب، واقع در ۶ کیلومتری شهر اردبیل، واگذاری زمین خواست مهم اهالی است. در این روستا از حدود ۲۲ خانوار ساکن، ۴۰ خانوار بی‌زمین هستند، بسیاری از دهقانان به علت نداشتن زمین جهت کار، راهی شهرها و روستاهای اطراف شده‌اند. یکی از دهقانان در این مورد می‌گفت: "دولت در هر کجا به ما زمین و خانه بدهد، ما با جان و دل در آن جا کار می‌کنیم."

جاده روستا خراب است و درمانگاه در ده وجود ندارد. یک سال قبل منبع آب لوله‌کشی درست شده بود، ولی به علت عدم دقت مسئولین، منبع

در روستای هریس

روستای هریس در سی کیلومتری غرب شمشیر واقع است. (جمعیت ۲۰۰۰ نفر)

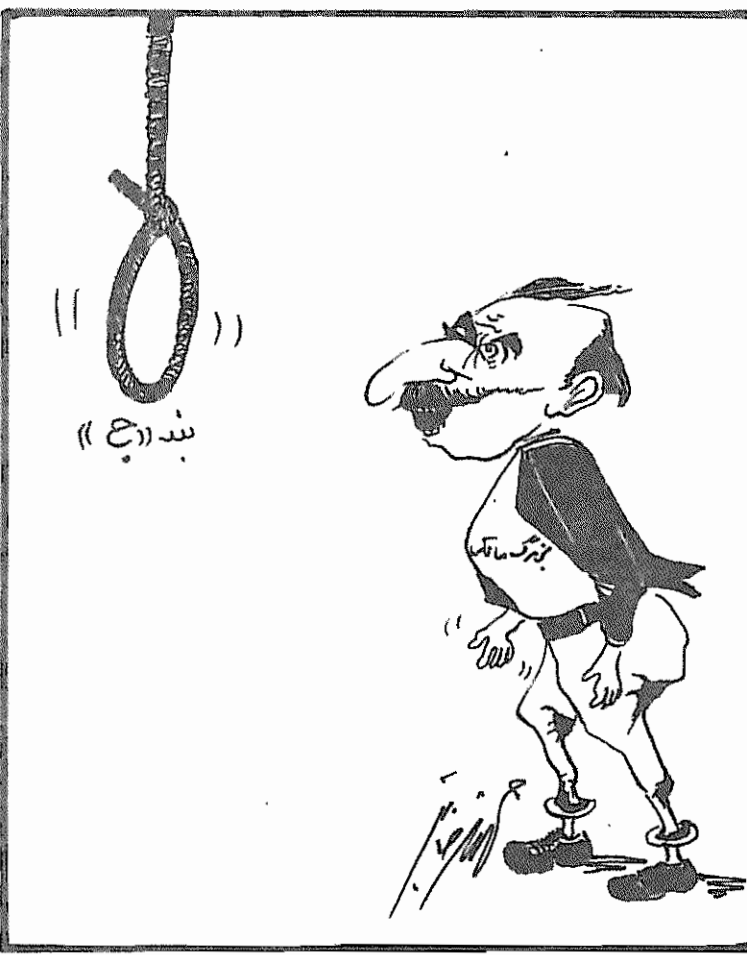
در این روستا زمین به اندازه کافی وجود دارد، لیکن کمبود آب بزرگترین مشکل روستائیان و مانعی در برابر کشت و زرع است. روستائیان هریس در این مورد می‌گویند:

"رودی که از کوه‌ها سرچشمه می‌گیرد و از وسط ده عبور می‌کند، دارای محل مناسبی برای سدسازی است. در صورت سدسازی و جمع آوری آب‌هایی که در ماه‌های بارندگی هریس می‌رود، می‌توان، نه تنها مشکل آب این روستا را حل کرد و تولید محصولات را بالا برد، بلکه روستاهای پایین نیز می‌توانند از این آب استفاده کنند. روستائیان هم چنین می‌گویند: "اگر دولت کمک کند، ما نیز تا حدی که در توان داریم، حاضریم کمک‌های لازم را برای سدسازی بکنیم."

در این روستا در مجموع ۵۰۰۰ راس گوسفند وجود دارد، لیکن به علت نبودن دامپزشک و خدمات دامپزشکی به هنگام شیوع بیماری‌های دامی، گوسفندان زیادی تلف می‌شوند.

در روستای هریس یک درمانگاه نوساز وجود دارد، که متأسفانه خالی و بدون استفاده مانده است. روستائیان هریس به علت فقدان پزشک و امکانات درمانی، به هنگام بروز بیماری، با مشکلات فراوان روبرو می‌شوند.

در این روستا مدرسه راهنمایی وجود ندارد، لیکن قرار است که ساختمانی برای این منظور ایجاد شود. روستائیان از مقامات مسئول می‌خواهند که با رسیدگی به مشکلاتشان، آنان را باری دهند، تا با افزایش تولید و تقویت پشت‌جبهه، در خنثی کردن توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و آیدیش‌سهم داشته باشند.



امام خمینی: از روستاهای دور افتاده می‌آیند می‌گویند که ما خانه نداریم، آب نداریم، برق نداریم، آسفالت نداریم، بهداشت نداریم و همه هم صحیح می‌گویند. ما دستمان را پیش تمام ملت دراز می‌کنیم و از ملت می‌خواهیم که همه دست پر اداری بهم بدهند و این جهاد سازندگی را شروع کنند.

دهقانان روستای تیل توانستند با اتحاد و مبارزه به خواست اصلی خود، یعنی زمین دست یابند

زده و شکایت و خواست‌های خود را تسلیم مقامات مسئول کرده‌اند. اکثر مبارزات دهقانان تیل علیه بزرگ مالکان بوده است که عاقبت توانستند حق خود را بگیرند و صاحب زمین شوند.

دیگر خواست‌های دهقانان، بذر، کود، ماشین‌آلات کشاورزی، آب زراعی و آشامیدنی کافی، روغن موتور (که یکی از خواست‌های عمده است) و تهیه ارزاق مورد نیاز است که هنوز در این مورد نتیجه‌ای عایدشان نشده است.

امید است که مقامات مسئول در صدد رسیدگی به این خواست‌ها بپردازند. چون هنوز شوراداران ده وجود ندارد، یکی از خواست‌های دهقانان تشکیل شورا است که باید به همت اهالی و پشتیبانی مقامات مسئول و نهادهای انقلابی به وجود آید.

واگذاری اراضی زمینداران بزرگ به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین و ایجاد امکانات بهتر زندگی در روستاها خواستی است که همیشه برای روستائیان میهن‌مان مطرح بوده است. کشاورزان و روستائیان زحمتکش، که در زمان رژیم گذشته طاغوتی، جان و مال خویش را از دست رفته می‌دیدند، با تمام توان خود در انقلاب شرکت کردند، تا بر روی قوانین غیر عادلانه و غارتگرانه رژیم گذشته خط بطلان بکشند.

دهقانان روستای تیل از بخش شمشیر شهرستان تبریز نیز، در زمان طاغوت، بارها علیه رژیم ضد مردمی پهلوی و مالکان بزرگ دست به تظاهرات زده‌اند. در این روستا ۱۰۰ خانوار و جمعا ۶۰۰ نفر زندگی می‌کنند. بعد از انقلاب، دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین این روستا بدفعات دست به راهپیمایی

مناسبات جمهوری دمکراتیک آلمان با خلق‌های آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین بر پایه همبستگی و کمک ضد امپریالیستی استوار است

در جهان سوسیالیسم

در روند تحکیم حاکمیت سیاسی و در مبارزه برای استقلال اقتصادی، صنعتی کردن کشاورزی، توسعه زیرساختار و استقرار مناسبات جدید دمکراتیک در گستره بازرگانی خارجی، آموزش حرفه‌ای، تخصصی و دانشگاهی شهر و وندان کشورهای رشدیابنده روز بروز اهمیت بیشتری می‌یابد.

کمک‌های فرهنگی جمهوری دمکراتیک آلمان به خلق‌های ستمدیده

از سال ۱۳۴۹ تاکنون ۳۹۰ هزار شهروند کشورهای رشدیابنده، از جمله ۹۰۰۰ تن در سال ۱۳۵۸، در رشته‌هایی چون تکنیک روستایی، تولید حیوانی و گیاهی، بهداشتی، حفاظت کار، ساختمان، فلزکاری، علوم مالی و اقتصاد کارخانه، در جمهوری دمکراتیک آلمان آموزش حرفه‌ای دیده‌اند. در همین سال‌ها، در حدود ۱۰ هزار شهروند اینگونه کشورها در مدارس تخصصی و عالی جمهوری دمکراتیک آلمان آموزش یافتند. تنها در سال ۱۳۵۸، ۲۶۵۰ شهروند کشورهای رشدیابنده دوره مدارس تخصصی و عالی آلمان دمکراتیک را به پایان رسانیدند.

مهم‌ترین رشته‌هایی که دانشجویان کشورهای رشدیابنده در جمهوری دمکراتیک آلمان در آنجا تحصیل می‌پردازند، عبارتند از: علوم فنی، علوم طبیعی، پزشکی، تربیت معلم، کشاورزی، مسائل تعاونی و اقتصاد کارخانه.

در پیوند با احداث ماشین آلات و واگذاری وسایل تولید کشاورزی، در سال‌های ۵۸-۱۳۴۹، در حدود ۵۵ هزار شهروند کشورهای رشدیابنده (تنها در سال ۱۳۵۸، ۲۳ هزار نفر) نزد کارشناسان جمهوری دمکراتیک آلمان آموزش دیدند.

اعزام کادر تخصصی به کشورهای رشدیابنده

از سوی دیگر، کادرهای تخصصی جمهوری دمکراتیک آلمان به کشورهای

همخوان با سیاست انترناسیونالیستی حزب سوسیالیست متحد آلمان، همکاری اعتمادآمیز جمهوری دمکراتیک آلمان با کشورهای آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین در سال‌های گذشته پیوسته روبه گسترش بوده است. از اول ژانویه ۱۹۷۰ (۲۱ بهمن ۱۳۴۹) تا ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹ (۲۰ بهمن ۱۳۵۸) جمهوری دمکراتیک آلمان با ۵۹ کشور رشدیابنده ۱۴۱ قرارداد دولتی (از جمله ۵۸ قرارداد بازرگانی، ۹ قرارداد ادراختی، ۲۷ قرارداد درباره همکاری علمی-فنی و ۴۷ قرارداد در زمینه‌های اقتصادی، علمی و صنعتی) بسته است.

کمک همه‌جانبه آلمان دمکراتیک به کشورهای رشدیابنده

هدف از همکاری اقتصادی و علمی - فنی جمهوری دمکراتیک آلمان با کشورهای آفریقایی-آسیایی و آمریکای لاتین عبارتست از تحکیم و گسترش توسعه اجتماعی-اقتصادی این کشورها و پشتیبانی از پیکار آنها در راه نظام اقتصادی بین‌المللی جدید، برپایه‌های حقوق برابری و اصل طبیعی خود، استقلال اقتصادی و علیه امپریالیسم، نواستعمار و ارتجاع.

مبادلات بازرگانی جمهوری دمکراتیک آلمان اینک بیش از سه برابر بیکره مشابه در سال ۱۳۴۹ است. این رقم در سال ۱۳۴۹، ۹۵۹۱۰ میلیون مارک بود. در این سال‌ها، سرعت افزایش مبادلات بازرگانی جمهوری دمکراتیک آلمان با کشورهای رشدیابنده بیشتر از کل مبادلات بازرگانی خارجی این کشور بود.

صادرات جمهوری دمکراتیک آلمان چه در زمینه کالاها و چه خدمات، بیشتر شامل ماشین آلات و تجهیزات برای زیرساختار، بویژه ترابری و مخابرات، تولید برق، تولید مواد خام، صنایع نساجی، ماشین‌سازی و چاپ و تبدیل فرآورده‌های کشاورزی می‌شود. از سال ۱۳۴۹ تاکنون، جمهوری دمکراتیک آلمان بیش از ۶۵ پروژ در کشورهای رشدیابنده، از جمله ۵۳ پروژ در سال ۱۳۵۸، به پایان رسانیده است. این کشور تنها در جمهوری سوسیالیستی ویتنام و جمهوری دمکراتیک خلق لائوس ۱۰۰ کارخانه ساخته است.

تولید و صدور جهش وار

تسلیمات در جمهوری فدرال آلمان

در دوران حکومت سوسیال-دمکرات‌ها در بن، تولید و صدور تسلیمات در جمهوری فدرال آلمان جهش وار افزایش یافت. صادرات این کشور بویژه در زمینه جنگ‌افزارهای بزرگ بالا رفته است. در زیر لیست ناقصی از اسلح-هایی که جمهوری فدرال آلمان به کشورهای رشدیابنده صادر می‌کرده و می‌کند، منتشر می‌کنیم.

کشتی جنگی (بلوهم + فوس، تیسن، هووالدت، لورسن). ناوچه: به آرژانتین، نیجریه، زیر دریایی: به آرژانتین، اکوادور، اندونزی، هند، پرو، ونزوئلا، شیلی، کلمبیا، اروگوئه، قایق-های سریع‌السیر: به بولیوی، بحرین، گابون، غنا، نیجریه، تانزانیا.

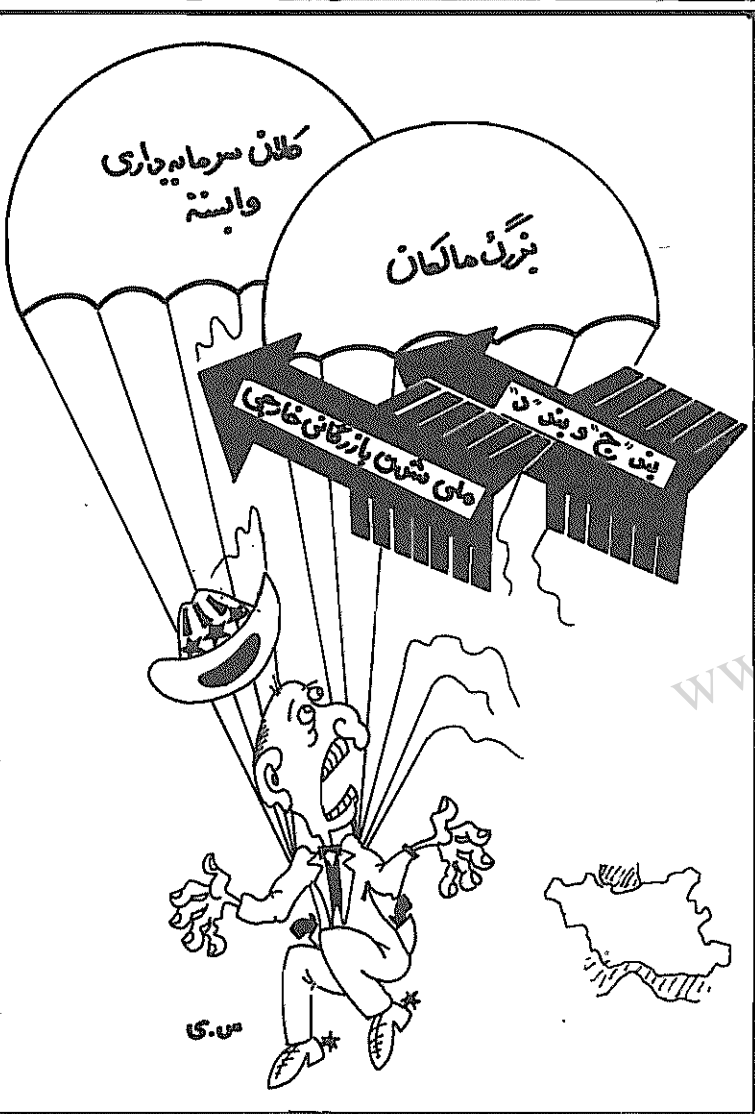
علاوه بر این، کشورهای زیر حق امتیاز تولید ناوچه‌های آلمان غربی را یافته‌اند: آرژانتین، اندونزی، آفریقای

در جهان سرمایه‌داری

جنوبی - هوایما (سراسمیت-بولکو - بلوم، دورینه). هلیکوپترهای جنگنده - بو-۱۰۵: به اندونزی، نیجریه، فیلیپین، شیلی، هوایماهای باربری: به مرون، مالاوی، مراکش، اتیوپی. تانک (تیسن): "ماردر": به آرژانتین.

اسلح‌های دستی (گ-۳، مسلسل سیک، مهمات، نارنجک و غیره): به ایران، اندونزی، کنیا، تایلند، کلمبیا، گویان، فیلیپین، سنگاپور، اوگاندا، شیلی، برزیل، ونزوئلا، آفریقای جنوبی، دستگاه رادار: به آفریقای جنوبی، موشک‌های ضد تانک (هات و میلان): به عراق، ایران، سوریه، برزیل، چین، لبنان، سنگال، آفریقای جنوبی.

آفاق (تولید مشترک دورینه و داسو): به نیجریه، مراکش، توگو، ساحل عاج.



کمک‌های فدراسیون سندیگایی آزاد آلمان و کمیته همبستگی جمهوری دمکراتیک آلمان بخشی گسست‌ناپذیر از همبستگی آلمان دمکراتیک را با کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و جنبش‌های آزادی‌بخش ملی تشکیل می‌دهد. کمک این دوسازمان در سال‌های ۵۸-۱۳۴۹ بالغ بر ۱/۴ میلیارد مارک بوده است (تنها در سال ۱۳۵۸، ۳۰۰ میلیون مارک). این کمک‌ها مصرف خرید پوشاک، خواربار، خوراک کودک، دارو، وسائل آموزش و لوازم بهداشتی برای مردم کشورهای رشدیابنده شده است.

در سال‌های ۵۸-۱۳۴۹، جمهوری دمکراتیک آلمان ۶۴۳/۲۲۵/۴۹۳ مارک بعنوان کمک نیکوکارانه، در اختیار کشورهای رشدیابنده و جنبش‌های آزادی‌بخش ملی گذاشت، که ۳۵/۷۴۳/۲۰۰ مارک آن از سوی صلیب سرخ جمهوری دمکراتیک آلمان تأمین شد. در همین مدت، ۲۳۰۰ بیمار از کشورهای رشدیابنده، از جمله رزمندگان و معلولان جنبش‌های آزادی-بخش ملی، در جمهوری دمکراتیک آلمان رایگان درمان پذیرفتند.

بدینسان، همبستگی، چه در گفتار و چه در کردار، در زندگی و فعالیت مردم و دولت جمهوری دمکراتیک آلمان دارای ریشه‌های عمیق است. مناسبات این کشور با کشورهای رشدیابنده و جنبش‌های آزادی‌بخش ملی بر این اصل استوار است که پیکار ضد امپریالیستی و ضد استعماری خلق‌ها بخشی گسست‌ناپذیر از مبارزه جهانیان در راه تأمین صلح و آزادی ملی و اجتماعی خلق‌های آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین است.

گسترش دامنه تجاوز...

بقیه از صفحه ۳
نظامی اسرائیل با حمایت امپریالیسم آمریکا در لبنان پدید آمده، نگرانی خلق‌های این منطقه و محافل اجتماعی جهان را برانگیخته است. هم‌خلق‌ها و نیروهای ترقی‌خواه در منطقه و جهان این توطئه جدید دولت صهیونیستی اسرائیل و حامی آن امپریالیسم آمریکا را محکوم می‌کنند و تشدید و خامت اوضاع در این منطقه را خطری جدی برای صلح و امنیت کشورهای این منطقه ارزیابی می‌کنند.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی همبستگی و پشتیبانی قاطعانه خود را از مبارزه عادلانه و حق‌طلبانه کشورهای عضو جبهه پایداری، از آن جمله سوریه و سازمان آزادی‌بخش فلسطین، که در خط مقدم این جبهه رویارویی با اسرائیل قرار دارند، اعلام کرده‌اند. ارایش هونگر، دبیرکل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان و رئیس شورای دولتی جمهوری دمکراتیک آلمان، در ملاقات با شادلی کلیبی، دبیرکل اتحادیه عرب، که هفته‌پیش

در برلین، پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان انجام گرفت، آمادگی دولت جمهوری دمکراتیک آلمان را برای همکاری نزدیک با سازمان اتحادیه عرب و کشورهای عضو این سازمان، در زمینه استقرار صلح، تشنج‌زدایی و حل مسالمت‌آمیز مسائل این منطقه اعلام کرد.

اریش هونگر، رهبر جمهوری دمکراتیک آلمان، مبارزه خلق‌های عرب و سازمان آزادی‌بخش فلسطین را برای آزادی سرزمین‌های اشغال شده از جانب تجاوزگران اسرائیل و حق خلق عرب فلسطین را برای تشکیل دولت مستقل ملی در سرزمین‌های خود مورد تأیید قرار داد.

اظهارات رهبر جمهوری دمکراتیک آلمان بار دیگر همبستگی کشورهای سوسیالیستی را با خلق‌های این منطقه، در مبارزه علیه سیاست‌های تجاوز - گرانه امپریالیسم آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل، نشان می‌دهد. این اظهارات بیان این واقعیت است که هم‌خلق‌های جهان در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، و به خاطر حفظ استقلال، همواره از پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی برخوردار بوده و خواهند بود.

خواست‌های ...

بقیه از صفحه ۵
می‌کند. اهالی این روستا خواستار افزایش سهمیه سوخت هستند، بویژه که ۲۵ دستگاه تراکتور نیاز حیاتی به سوخت دارد. با این که ۳۰ عدد موتور و پمپ آب وجود دارد، ولی باز هم آب زراعی کافی نیست و این یکی از معضلات بزرگ دهقانان است.

دهقانان می‌طلبند که کود شیمیایی به قیمت عادلانه از جانب دولت، دهقانان مجبور هستند محصولات خود را به بلف خرها پیش‌فروش کنند. دهقانان می‌طلبند که کود شیمیایی به قیمت عادلانه، به آن‌ها فروخته شود. تا مجبور نباشند کود شیمیایی را در بازار آزاد به دو برابر قیمت اصلی خریداری کنند.

اکثر زنان روستایی سواد هستند و نتوانسته‌اند سواد آموزی کنند. آن‌ها در کلاسی که به تازگی دایر شده، با

اشتیاق به سواد آموزی می‌پردازند. زنان چه در فروش بافی و چه در برداشت محصول، کمک فراوان می‌کنند.

اهالی این روستا در تمام تظاهراتی که در زمان رژیم سابق علیه طاغوت انجام می‌شد، فعالانه شرکت داشتند و هم‌اکنون نیز تعدادی از اهالی این روستا به عنوان سربازان منقذ خدمت ۵۶ راهی جبهه‌ها شده‌اند، تا پاسخ مناسبی به رژیم تجاوزگر صدام بدهند.

یکی از اهالی به نام کریم می‌گفت: "وضع کشور، بعد از انقلاب حتماً بهتر می‌شود، ولی توطئه‌های آمریکا سنگ جلوی انقلاب ایجاد می‌کند. با این همه ملت قهرمان ما آن‌ها را (توطئه‌ها را) خنثی می‌کند. آمریکا این بار صدام را به میدان آورده است."

در این روستا، با نظارت سرپرست هیئت ۷ نفری، شورای ده در دی‌ماه گذشته تشکیل شده است. نقش جوانان در انتخابات شورا چشمگیر بوده است. جوانان قبلاً هم در مرمت راه مدرسه و حمام روستا شرکت فعال داشته‌اند. به تازگی در این روستا کلاس نهضت سواد آموزی دایر شده است. که زنان و مردان روستا در آن به

سواد آموزی مشغول هستند. حدود ۱۵ نفر دیپلمه بی‌کار در این روستا وجود دارد.

جهد سازندگی تا به حال سری به این روستا نزده است و دهقانان منتظر هستند تا جهاد در رفع مشکلات، آن‌ها را یاری رساند.

یکی از اعضای شورای ده می‌گفت: "ما در خدمت تمام برادران خود هستیم و حاضریم تا آخرین لحظه، تمام خواست‌های دهقانان عزیز را به جا بیاوریم. ما هیچ فرقی بین هیچ کس قائل نخواهیم شد."

وی خواست‌های دهقانان را به شرح زیر توضیح داد: ۱- زمین برای افراد بی‌زمین و کم‌زمین،

۲- احداث درمانگاه و تأمین بهداشت و کسب راه، لوله‌کشی آب و ایجاد مدرسه راهنمایی،

۳- رسیدگی به وضع کشاورزی و رفع مشکلات (وسایل کشاورزی، کود، بذر، آب و غیره)،

۴- خرید به موقع محصول کشاورزان از طرف دولت و با قیمت عادلانه.

اعلامیه سازمان حزب توده ایران - بوشهر:

فعالیت ضدانقلاب از بوشهر تا پشت کوه گسترش می یابد

عدم قاطعیت در سرکوب ضدانقلاب و اعمال ناسنجیده برخی مسئولان زمینه سوءاستفاده را برای دشمنان فراهم ساخته است. با هشیاری، قاطعیت و اتحاد میتوان و باید توطئه ضدانقلاب را عقیم گذارد.

به دنبال گسترش فعالیت عوامل ضدانقلاب در بوشهر، حزب توده ایران - سازمان بوشهر با انتشار اطلاعیه‌ای از مردم و مسئولین خواست که با هشیاری این توطئه‌ها را خنثی کنند. در این اطلاعیه آمده است: «مردم قهرمان بوشهر! توده‌های زحمتکش، این حماسه‌آفرینان پرشور، در جنگ مقاومت با متجاوزان صدامی باز دیگر ثابت کردند که مردم دلاور ایران از دستاوردهای انقلاب چون مردمک چشم خود مراقبت می‌کنند و از بدل مال و جان برای پیروزی قطعی و نهایی انقلاب دریغ ندارند. این مقاومت دلیرانه در همان روزهای نخست، توطئه ششم امپریالیسم آمریکا را با شکست سیاسی روبرو کرد. به دنبال این شکست، امپریالیسم آمریکا توطئه هفتم خود را آغاز کرد و درگیری و تشنج در داخل کشور در دستور روز ضدانقلاب قرار گرفت. برای ایجاد آشوب و تشنج، جبهه متحد ضدانقلاب (ضدانقلاب سازمان یافته، کلان سرمایه‌داران، زمینداران بزرگ، ساواکی‌ها و مائوئیست‌های آمریکائی) که از جانب امپریالیسم جهانی، بسز کردگی آمریکا، مستقیماً هدایت می‌شود، با یاری لیبرال‌ها به تلاش گسترده‌ای دست زد. اکنون امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی به تشدید برگیری و تشنج در داخل کشور امید بسته‌اند، تا راه را برای بازگشت دولت «میانه‌رو» هموار سازد و یا با برپا کردن جنگ داخلی در میهن ما، زمینه را برای دخالت مستقیم نظامی فراهم کنند. مردم قهرمان بوشهر! در اجرای این نقشه شوم امپریالیسم آمریکا، استان ما هم، به لحاظ همجواری با دولتهای مرتجع غربی و امکان

آمد و رفت عوامل ضدانقلاب و ارسال اسلحه، مورد توجه جدی دشمنان انقلاب قرار گرفته است. ضدانقلابیون از طریق تفاله‌های رژیم منفور پهلوی، با استفاده از کانالهای ارتباطی قاچاقچیان عمده و زمینداران بزرگ، دامنه فعالیت خود را تا پشت کوه و خوانین عمایری گسترش داده‌اند و با هماهنگی کامل در شهر و روستا به فعالیت ضدانقلابی خود مشغولند. بی‌دلیل نیست که یکسری اعلامیه و نشریات عوامل ضد انقلاب به‌طور همزمان در شهرهای اطراف استان و شهرستان بوشهر پخش می‌شود.

بی‌دلیل نیست که همزمان با این‌ها، یکی از افراد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در گناوه ترور می‌کنند. تصادفی نیست که عوامل خان بزرگ منطقه به مبارزه مسلحانه با سپاه پاسداران و بسیج مستضعفین می‌پردازند، که از جمله در منطقه ریز منجر به زخمی شدن یکی از افراد بسیج مستضعفین می‌شود. بی‌دلیل نیست که، همزمان با این عملیات، عکس‌هایی از بازماندگان رژیم منحوس سابق در بوشهر به‌طور همزمان پخش می‌گردد.

با توجه به حوادث یاد شده، ما به مسئولین امر هشدار می‌دهیم: دشمنان انقلاب با استفاده از زمینه‌ای که بر اثر عدم قاطعیت در سرکوب ضدانقلاب و برخی اعمال ناسنجیده مسئولان فراهم آمده است، فعالیت خود را پیوسته گسترش می‌دهند.

ما به مردم قهرمان استان بوشهر و خصوصاً اهالی شهرها و روستاهای حاشیه دریا هشدار می‌دهیم که به کمک نهادهای انقلابی، مخصوصاً سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و با هشیاری از مرزهای میهن عزیز خود پاسداری کنند و فریب عوامل ضدانقلاب را، که با عده کردن نارسائیها بر تمام دستاوردهای انقلاب خط بطلان می‌کشند نخورند. انقلاب ما مراحل حساس و دشواری را می‌گذراند. با درک هرچه عمیقتر وضع کنونی، بکوشیم تا با کمک ارگانها و نهادهای دولتی، خصوصاً پاسداران و بسیج مستضعفین در منطقه، پوزامپریالیسم و ضدانقلاب را، که برای اجرای توطئه هفتم خود، به شکلی جدی متوجه استان ما هم شده‌اند، به خاک بمالیم.

پیام

فدراسیون جهانی جوانان دمکرات به سازمان جوانان توده ایران بمناسبت ۳۸مین سالگرد تأسیس سازمان جوانان توده ایران

رفقای عزیز! فدراسیون جهانی جوانان دمکرات و دبیرخانه آن، به نام میلیون‌ها جوان سراسر گیتی، در ۳۸مین سالگرد تأسیس سازمان جوانان توده ایران، درودهای گرم خویش را به شما و از طریق شما به جوانان ایران ابلاغ می‌دارد. شما با مبارزه طولانی و افتخارآمیز خود یکی از تبهکارترین و سیاه‌ترین رژیم‌های سلطنتی جهان را سرنگون ساختید و ضربه خردکننده‌ای بر طرح‌های امپریالیسم، بسز کردگی امپریالیسم آمریکا، در منطقه وارد ساختید، مبارزه شما مورد حمایت همه نیروهای صلح‌دوست و ضدامپریالیست جهان، از جمله جوانان است، و آنان پیروزی شما را به گرمی تهنیت گفتند.

فدراسیون جهانی جوانان دمکرات، در ۳۸مین سالگرد تأسیس سازمان جوانان توده ایران، ذکر باره همبستگی ناکستی خویش را با مبارزه مردم و جوانان ایران به منظور شکست مانورهای آشکار و پنهان امپریالیسم و تحکیم دستاوردهای انقلاب اعلام می‌دارد. دبیرخانه فدراسیون جهانی جوانان دمکرات

پیام شادباش

سازمان حزب توده ایران در اوز فارس به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

رفقای عزیز. کمیته مرکزی حزب توده ایران! درودهای گرم و پرشور و رفیقانه ما را به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران بپذیرید، رفقا!

میهنان و انقلاب شکوهمند مردم ایران شرایط حساس و بغرنجی را می‌گذرانند. صفتبندی مشخص نیروهای طبقاتی جامعه و توطئه مکرر، ظریف و حساب شده امپریالیسم آمریکا در داخل و خارج ایران برای براندازی یا مسخ انقلاب - انقلاب بزرگ مردم ایران را به مرحله سرنوشت‌سازی نزدیک می‌سازد. پیشک مرحله تثبیت و بازگشت ناپذیر کردن تحولات انجام گرفته انقلاب و تعمیق راه رشد و دورنمای تاریخ ساز آینده انقلاب، از وظایف اساسی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران، بویژه حزب پیشاهنگ آن، حزب توده ایران است. در این مرحله انقلاب است که مصوبات هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، راهگشایی را در جهت تثبیت و تعمیق انقلاب، بخاطر منافع حال و آتی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران ایفا می‌کند. رفقا!

ما اعضا و هواداران حزب توده ایران در اوزه باردیگر به شما رفقای کمیته مرکزی صمیمانه شادباش می‌گوئیم و موفقیت و پیروزی شما را در انجام وظایف تاریخی‌تان آرزو مندیم. زنده باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران!

تعدادی از...

بقیه از صفحه ۱

انبار مهمات متجاوزان صدامی توسط قوای ما منهدم شد. پرسنل نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز توانستند یک خمپاره انداز، ۲ خودرو و تعدادی از سنگرهای این متجاوزین را در بخش اشغالی خونین شهر منهدم کنند.

به موجب این اطلاعیه در منطقه بان سیران کیلانغرب با اجرای آتش نیروهای خودی، یک انبار مهمات، یک پست دیده‌بانی و یک تیربار دشمن بکلی نابود شد و هشت تن از نفرات دشمن به هلاکت رسیدند.

رزمندگان جمهوری اسلامی ایران شد. در نتیجه آتش نیروهای رزمنده ما ۶ تانک، هشت انبار مهمات، یک خمپاره‌انداز، سه سنگرتیربار و سه خودروی دشمن به آتش کشیده و نابود شد. براساس این گزارش دشمن با اجرای آتش بر روی مناطق مسکونی آبادان و دزفول خسارات و تلفاتی به اهالی این شهرها وارد آورد. این گزارش می‌افزاید در جبهه دارخوین یک خودرو و یک

ارائه میشوند. ما که به مفید بودن «بحث آزاد» اعتقاد صادقاته داریم، همچنان امیدواریم که احزاب، سازمانها و گروههایی که برای شرکت در «بحث آزاد» دعوت شده بودند، ولی در این بحث شرکت نکردند، در تصمیم خود مبنی بر عدم شرکت در «بحث آزاد» تجدیدنظر کنند. و اما خشم و کین تشریاتی چون «هیزان» و «گروههایی چون «نهیضت آزادی» در مورد شرکت حزب توده ایران در این بحثها، کاملاً مفهومی است. آنها که می‌خواستند خود را مدافع و پرچمدار «بحث آزاد» وانمود کنند، وقتی این پرچم کاذب را از دست میدهند و چاره‌ای جز فرار از «بحث آزاد» نمی‌یابند، طبیعی است که از شرکت حزب توده ایران، که همواره و در همه جا مشتاقانه از هرگونه برخورد آزادانه عقاید استقبال کرده‌است، ناخشنود باشند و به آن بتازند. برای اینان «آزادی» و «بحث آزاد» واقعا آزادی نیروهای سیاسی و

اخراج کارکنان...

بقیه از صفحه ۱

آنها در شرایطی که ۸ ماه است حقوقی دریافت نکرده‌اند، چون صاعقه بر سر آنها نازل شد. باخراج کارکنان نیروگاه برق رامین، بیشک اقدامی ناراضی‌تراشانه و در نتیجه به‌زیان انقلاب است. از مسئولین امر می‌خواهیم که هرچه سریعتر به این موضوع رسیدگی کنند و ضمن لغو حکم اخراج، نسبت به پرداخت حقوق معوقه کارکنان نیز اقدام لازم بعمل آورند.

از وزارتخانه‌ها، ادارات و سازمانهای دولتی به سرعت رفته است و مقامات مسئول در زمینه نستگیری و معرفی رباپندگان اسناد چه اقداماتی کرده‌اند؟ مردم می‌طلبند که هرچه سریعتر به این سئوال پاسخ داده شود.

آمده است که برخی از این اسناد درباره کسانی است که توسط وزرای خارجه پیشین منصوب شده‌اند و هنوز هم مصدر کار هستند. در همین اطلاعیه از رئیس جبهه پرسش سئوال شده است که: آیا «خروج آنها (اسناد) باین صورت نمی‌تواند شبیهاتی را در زمینه محو یا سوءاستفاده از آنها القاء نماید؟»

پرسش اینست که: مطالبی که در اسناد درباره انتصابات وزرای خارجه پیشین که هنوز هم مصدر کار هستند، وجود دارد، چیست و چه کسانی در «محو یا سوء استفاده از آنها» ذینفع‌اند؟ سئوال ۴- نقش دفتر ریاست جمهوری در این رابطه چیست؟ سئوال ۳- شبکه سرتاسر اسناد در وزارت کشاورزی و دیگر ادارات و سازمانهای دولتی چیست و تا بحال چه اسنادی، به چه منظوری و توسط چه کسانی،

بحث آزاد...

بقیه از صفحه ۱

برخورد آراء و عقاید گوناگون، در محیطی بدور از جنجالها و تشنجات متعارف، نشستند. تجربه «بحث آزاد» نشان داد که می‌توان بدور از جو سازبها و تحریکات و اتهام‌زنی‌ها، که به تشنج و ناآرامی می‌انجامد و به زیان انقلاب تمام میشود، در کنار صاحبان دیگر اندیشه‌ها و عقاید نشست و سخن خود را گفت و پاسخ خود را نیز شنید و مردم را در گزینش آزادانه آراء و عقاید به داوری طلبید. این تجربه نشان داد که تنها به قاضی رفتن و براساس سوءتفاهمات و پیشداوریها به داوری درباره عقاید دیگر نشست، تا چه اندازه برای انقلاب زیان‌بار آورده است. این تجربه همچنین نشان داد که بلیغرم گرایشهای انحصارطلبانه و تنگ نگرانه و عدم تحمل عقاید دیگران، این گرایش واقع بینانه، که می‌توان با دیگر نیروها

مردم می‌طلبند...

بقیه از صفحه ۱

(اطلاعیه وزارت امور خارجه، «اطلاعات»، ۳۱ اردیبهشت ۶۰) نکات دیگری که بعداً فاش گردید، ابهامات و سئوال‌های بیشتری را موجب شده است: ۱- اسماعیل ناطقی، که قبلاً، بهنگام سرپرستی قطب‌زاده، در صداوسیما، توسط او به تلویزیون راه یافته و پس از ورود قطب‌زاده به وزارت امور خارجه، به این وزارتخانه آمده بود، قبلاً نیز اسناد محرمانه بسیاری از وزارت امور خارجه خارج ساخته و به افراد مختلف داده است. ۲- برخی از این اسناد بصورت منحصر بفرد می‌بویط به کسانی است که از طرف وزرای سابق وزارت خارجه منصوب شده‌اند و هم‌اکنون نیز مصدر کار هستند. (همانجا)

۳- يك مقام آگاه وزارت امور خارجه، به خبرنگار «اطلاعات» گفته است که سرتت اسنادتها مربوط به وزارت امور خارجه نبوده، «بلکه شبکه وسیعی در کلیه ادارات و سازمانهای دولتی، فعالیت وسیعی را برای بویون اسناد آغاز کرده بودند». (اطلاعات، ۳۰ اردیبهشت ۶۰). این مقام آگاه وزارت امور خارجه از جمله از وزارت کشاورزی نام برد. چنانکه واضح است مساله بسیار جدی‌تر از آنست که در بدو امر تصور میشد، ابهامات متعدد موجود در این واقعه و اهمیت برطرف شدن آنها برای آگاهی توده‌های وسیع مردم و نیروهای انقلابی، پرسشهای متعددی را طرح می‌سازد که مقامات مسئول ملزم به پاسخگویی به آنها هستند: سئوال ۱- در اطلاعیه وزارت امور خارجه خطاب به رئیس‌جمهور



جسد ۳۶۸۰۰ قربانی رژیم پولپوت در کامپوچیا کشف شد

در کامپوچیا بار دیگر قبر نظامی از دوران قسوت رژیم ایسته به یکن، پولپوت، پیدا گشت.

بگزارش خبرگزاری کامپوچیا، ر گودالی در شمال خاوری نومین، جسد ۳۶۸۰۰ نفر کشف شد. خیلی از آنها زنان باردار و کودک بوده اند.

مزدوران چین در کامپوچیا در کمتر از چهار سال حکمرانی خود نزدیک به سه میلیون نفر را بقتل رساندند. بیش از دو سال پیش میهن دوستان کامپوچیا بن رژیم خونخوار را، سرنگون ساختند.

نایبینه جدید فرانسه تعیین شد

در فرانسه، نخست وزیر جدید کشور، پیر موروا، ترکیب نایبینه خود را، که به تأیید لیس جمهور فرانسه رسیده است، اعلام کرد. بیشتر ۴۲ وزیر کابینه ر موروا «سوسیالیست» هستند. نخستین جلسه هیئت دولت روز بهارشنبه ۶ خرداد تشکیل خواهد شد.

اجلاس «جامعه عرب» پشتیبانی خود را از سوریه و «سازمان آزادی بخش فلسطین» در قبال تجاوز و تهدید اسرائیل اعلام داشت

اجلاس «جامعه عرب» در تونس پایان یافت. شرکت کنندگان در این اجلاس از ایالات متحده آمریکا خواستند که از پشتیبانی از اسرائیل دست بردارد. بیانیه اجلاس «جامعه عرب» یادآور می شود که «تشویق هدفهای تجاوزکارانه اسرائیل از سوی آمریکا به درگیری با سراسر جهان عرب خواهد انجامید».

در این اجلاس، وزیران خارجه کشورهای عرب اوضاع خاورمیانه را بررسی کردند، که اینک، برائت تشدید تجاوزات اسرائیل علیه لبنان و تهدیدات نظامی علیه سوریه سخت بوخامت گزاشیده است. کنفرانس تونس پشتیبانی خود را از سوریه و جنبش آزادی بخش ملی فلسطین اعلام کرد.

بگفته اعلامیه کنفرانس، در صورت تجاوز «تل آویو»، به سوریه کمک لازم داده خواهد شد. شرکت کنندگان اجلاس تونس قرارداد ضدعربی «کمپویدی» را که، زیر نظارت آمریکا، میان مصر و اسرائیل امضاء گردید، مردود خواندند.

کیهان نوردان شوروی و رومانی بزمین بازگشتند

روز ۱ خرداد ۶۰، گئوئیدبرولف و دیویتروپوناریو، کیهان نوردان شوروی و رومانی، اقامت یک هفته ای خود را در ایستگاه مداری «سالیوت» پایان دادند و به زمین بازگشتند.

دو کیهان نورد پس از نشست به زمین، حال خود را «خوب» توصیف کردند. پوئوف و پوناریو رویهمرفته ۴۰ آزمایش در فضا انجام دادند.

مسئول این پرواز اظهار داشت که دو کیهان نورد نامبرده بخوبی از عهده وظائف خود برآمدند. بگفته وی، بدین ترتیب سلسله پروازهای «اینترگوسموس» پایان می یابد. در این پروازها، کیهان نوردان ۹ کشور سوسیالیستی شرکت کردند.

«تل آویو» خواستار انضمام لبنان به باصطلاح

«اسرائیل بزرگ» است

بگزارش «تاس» از دمشق، «اسرائیل به تشویق «واشینگتن» خود را برای تجاوزی وسیع در خاورمیانه آماده می کند. یکی از نشانه های این تجاوز آنست که اسرائیل از سوریه خواسته است تا موشکهای ضد هوایی خود را، نه تنها از لبنان، بلکه همچنین از منطقه مرزی سوریه، فراخواند».

این موشکها هنگامی در این مناطق مستقر شدند، که اسرائیل به حمله هوایی به گردانهای سوری «نیروهای پاسدار صلح عرب» دست زد. چنانچه «تل آویو» به تهاجم به مناطق بیگانه نیردازد، این موشکها نمی توانند خطری برای اسرائیل و هواپیماهای آن بشمار آیند. گزارش «تاس» می افزاید:

«نه اسرائیل و نه حامیان آن از اوضاع خرسند نیستند. اسرائیل و ایالات متحده خواهان راهحلی هستند، که دست «تل آویو» را آزاد بگذارد و لبنان، سوریه و دیگر کشورهای عرب را از حق دفاع از خود محروم سازد».

بگفته «تاس»: «بدینسان از حل سیاسی مسئله خاورمیانه جلوگیری خواهد شد، شرائط رخنه ایالات متحده آمریکا به منطقه فراهم خواهد آمد و حضور نظامی آن در آنجا دائمی خواهد گشت. این سیاست لبنان را بعنوان کشور مستقل نابود خواهد کرد و به انضمام آن به باصطلاح «اسرائیل بزرگ» خواهد انجامید».

خیابانهای «آلستر» به میدان جنگ تبدیل شده است

روز جمعه ۱ خرداد ۶۰، بار دیگر دختر جوانی قربانی سرکوب نیروهای انگلیسی شد. کارول کلی چهارده ساله برائت یک گلوله پلاستیکی بهلاکت رسید. چند ساعت قبل از آن نیز یک مرد ایرلندی بضررب گلوله پلاستیکی از پای درآمد.

بگزارش خبرنگاران، خیابانهای «آلستر» به میدان جنگ تبدیل شده است. از سر گرفته شد و سربازان انگلیسی به شلیک گلوله های درگیریهای خیابانی بویژه پس پلاستیکی پرداختند.

درباره گزارش هیئت بررسی شکنجه به امام خمینی

است یا خیر؟ جواب هیئت در این مورد روشن است:

«نظام حاکم بر زندانها و بازداشتگاهها و بازپرسیا مبتنی بر جلوگیری و نفی هر نوع شکنجه و آزار نسبت به دستگیرشدگان بوده و میباشد».

این «نظام حاکم» بود، اما در عین حال «استثنائی وجود داشته که در هر کجا هیئت اعمال شکنجه یا وقوع جرم را احتمال داده است»، پرونده را بمقامات قضائی احاله کرده است.

این شیوه مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران است که «استثنائی» را «اصل» میکنند، تا چهره انقلاب را در پیش مردم ایران و جهان بدنام کنند. مقصود آنان و حامیان امپریالیستی شان نیز روشن است: این نظام «شکنجه گر» و «مرتجع» باید برکنار شود و بجای آن حکومت «تمدنی» از «رجال معتدل و میانه رو» و طرفدار «آزادی» روی کار بیاید، که در حکومت آنان نه «داغ و درفتی» خواهد بود و نه «فشار و اختناق»! فقط این آقایان در اینجا دچار یک «فراموشی کوچک» می شوند و آن اینکه:

رژیم ترور و اختناق و شکنجه و اعدام آریسامبری ساخته و پرداخته آنان بود و حالا هم فاشیسم اویسی را - یا مستقیما و یا بوسیله جاده صاف کن های خود - میخواهند بر مردم ایران تحمیل کنند.

گزارش «هیئت بررسی شکنجه» نشان میدهد که دشمن از هر نقطه ضعفی، از هر «استثنائی» برای پیشبرد هدفهای سیاسی خود استفاده میکند. استدلال برخی از مبارزان «قتلری» که ما کار خودمان را میکنیم و کاری بکار مخالفان در داخل و خارج کشور نداریم، یک استدلال سطحی و ساده اندیشانه است. اگر ما می توانستیم کاری بکار آنان نداشته باشیم، مجبور نبودیم «هیئت بررسی شکنجه» را آنهم بفرمان عالترین مقام در جمهوری اسلامی ایران، تشکیل دهیم و ماهها وقت خودمان و روزنامه ها را به گفتگو درباره این مسئله صرف کنیم.

در جنگ نمیتوان تنها به خود اندیشید و از کارها و واکنشهای دشمن غافل ماند. اگر فرماندهی این شیوه را در پیش گیرد شکست او حتمی است. «ارزه سیاسی از جنگ هم بمراتب ظریفتر است.

دشمن در مبارزه سیاسی بر سر جنجال «شکنجه»، به یمن درایت امام خمینی و آگاهی عمیق «هیئت بررسی شکنجه» شکست خورد. راه مبارزه با مخالفان انقلاب اینست، نه بی اعتنائی و خودمحوری که بگوئیم: ما کار خودمان را میکنیم، بگذار دیگران هر چه میخواهند بگویند.

بتوانند نهادهای انقلابی را به انفعال بکشانند.

مبارزه امپریالیسم و عوامل داخلی آن تنها از طریق جنگ روانی و شایعه پراکنی (از جمله در مورد شکنجه) انجام نگرفته است. از گزارش هیئت اطلاع می یابیم که در مرحله اول انقلاب، که «نهادهای خودچوش در همه جا بوجود آمدند... افراد ضد انقلاب نیز در این نهادها فعالیت داشته اند و مرتکب تخلفاتی شده و ستم های کرده اند...» و در مرحله دوم نیز بلحاظ «کامل نبودن تصفیه در بعضی موارد و همچنین جوانی و بی تجربگی مامورین تخلفاتی صورت گرفته که نسبت به مرحله قبل بمراتب کمتر است و در مرحله سوم «تقریبا از اواخر تابستان ۱۳۵۸ امور نسبتا به نظم و ترتیب درآمده و تخلفات بحداقل خود رسیده است».

این بخش از گزارش «هیئت بررسی شکنجه» از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. نتیجه گیری این هیئت، که ضد انقلاب عوامل خود را بسردون نهادهای انقلابی میفرستاده، تا با تخلف و ستم موجب بدبینی مردم به مامورین کمیته ها و پاسداران را فراهم کند و در این کار تا حدودی هم موفقیت یافته است، نشان میدهد که تخلف از قانون و خودسری (که هر چند در مرحله دوم نسبت به مرحله قبل بمراتب کمتر و در مرحله سوم بحداقل کاهش یافته، ولی بهر حال متاسفانه هنوز از بین نرفته است) تنها و تنها در جهت منافع ضدانقلاب است، و اگر این مسئله را وسیعتر بگیریم و در چارچوب تمام روابط اجتماعی بررسی کنیم، می بینیم که خروج از حکم قانون، چه آگاهانه و چه نا آگاهانه، بهر دلیلی باشد، آبرویختن به آسیاب ضدانقلاب است، که در اوایل انقلاب با نفوذ آشکار در نهادهای انقلابی و سپس با رخنه پنهانی در صفوف انقلابیون، خودسری و زورگویی را ترغیب کرده و میکند، تا از آن نتایج سیاسی بگیرد.

این نتیجه گیری ارزنده را مسئولان نهادهای انقلابی هرگز نباید از یاد ببرند.

گزارش «هیئت بررسی شکنجه» ثابت میکند که امپریالیستهای امریکائی و همدستان داخلی آنها چگونه، دست در دست یکدیگر، بر ضد انقلاب ایران عمل میکنند.

علاوه بر این، شایعه پراکنی درباره رواج شکنجه، به قیده هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

گزارش هیئت بررسی شکنجه به امام خمینی در حقیقت تحقیق جامعی از وضع زندانها و مسائل زندانیان و راههای رفع کمبودها و نقص های موجود در سیستم اداره زندانهاست. پیشنهادهای ارزنده ای که در این سند ارائه میشود، میتواند پایه تنظیم روابط انسانی بین خاطیان محکوم بسزندان و مسئولان نظارت بر زندانها قرار گیرد. گزارش نامبرده در چارچوب «بررسی شکنجه» باقی نمانده و یک سلسله مسائل مهم دیگر را، که در زندانها وجود دارد، مطالعه و نتیجه گیری کرده است. از خلال تمام سطور این گزارش روح صداقت و امانت میتراود و جز اینهم نباید باشد. گزارش هر گزارشی - به رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، که زمینه تصمیم گیریهای ایشان است، فقط باید بیان حقیقت باشد.

هیئت بررسی شکنجه در عین آنکه صحنه سازیها و فریبکاریهای عوامل ضدانقلاب و سوء استفاده رادیوهای امپریالیستی را از شایعه شکنجه متذکر میگردد، پنهان نمی کند که:

«در چند مورد شکایت مرتکبین جرائم مواد مخددر در مورد شکنجه ظاهرا موجه بنظر میرسید و هیئت نسبت به برخی از ماموران مبارزه با مواد مخدر ظنین گردید که پرونده امر جهت رسیدگی و تعقیب به بازپرسی ارجاع شد و متهمین اکنون در بازداشت بسر میبرند که اظهار نظر قطعی و نهائی درباره اتهام آنان و تعیین کیفر با مراجع صلاحیتدار قضائی است».

هیئت بررسی شکنجه بدرستی به این نتیجه میرسد که جار و جنجال درباره شیوع شکنجه، بیش از آنکه یک انگیزه انسانی و حقوقی داشته باشد، ییکاری سیاسی بوده است که از «سرد سپردگان» به رژیم منقور پهلوی و عاملین سیاستهای امپریالیستی آمریکا در ایران، که از هر گونه کوشش برای تضعیف جمهوری اسلامی دریغ ندارند و با طرفداران «حقوق بشر امریکائی همگامند» سرچشمه گرفته است و این دست بخت آقایان طرفدار «حقوق بشر امریکائی» مدتی خوراک تبلیغاتی بسیار خوبی برای رسانه های گروهی وابسته به امپریالیسم بویژه رسانه های گروهی ممالک اسلامی تحت سلطه غرب بود».

علاوه بر این، شایعه پراکنی درباره رواج شکنجه، به قیده هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

علاوه بر این، شایعه پراکنی درباره رواج شکنجه، به قیده هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

علاوه بر این، شایعه پراکنی درباره رواج شکنجه، به قیده هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

علاوه بر این، شایعه پراکنی درباره رواج شکنجه، به قیده هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

علاوه بر این، شایعه پراکنی درباره رواج شکنجه، به قیده هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

علاوه بر این، شایعه پراکنی درباره رواج شکنجه، به قیده هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

علاوه بر این، شایعه پراکنی درباره رواج شکنجه، به قیده هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

علاوه بر این، شایعه پراکنی درباره رواج شکنجه، به قیده هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

علاوه بر این، شایعه پراکنی درباره رواج شکنجه، به قیده هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

علاوه بر این، شایعه پراکنی درباره رواج شکنجه، به قیده هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

علاوه بر این، شایعه پراکنی درباره رواج شکنجه، به قیده هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم